

# تجدید

نامه سرگشاده  
پنج گروه ائتلافی

در صفحه ۳

در شرق چگونه پولدار  
می شوند؟

در صفحه آخر

# محدوده اخلاقی آزادی

علی اصغر  
حاج سیدجوادی

هیچ حزبی نمی تواند با اعمال خشونت و استفاده از اذهان ساده مردم، خود رازبان حال و مجری انحصاری افکار رهبری قلمداد کند  
رأی عوام اگر به آگاهی سیاسی و اجتماعی مجهز نباشد هرگز به صبغه دموکراسی و آزادی آمیخته نمی شود.

«در آن جامعه که حقوق افراد تضمین نشود و تفکیک قوا عملی نگردد  
قانون اساسی وجود ندارد.» ماده ۱۶ اعلامیه حقوق انسان و شهروند  
مورخ اوت ۱۷۸۹ء.

میشل فوکو فیلسوف و متفکر بزرگ فرانسه و استاد کلژ دو فرانس سال قبل یعنی در ساهانی که رژیم سرسختانه در برابر انقلاب مردم ایران مقاومت می کرد در جست و جوی حقیقت این انقلاب و جوهر انگیزه های آن به ایران آمد و پس از سیر و سیاحت ذهنی و عقلی در فضای انقلاب و گفت و گو با افراد دست اندرکار به کشور خود بازگشت و نوشت که مردم ایران و انقلاب ایران در جست و جوی یک معنویت سیاسی است که مدت ها است از زندگی ما غریب رخت بر بسته است. انقلاب ایران برهبری آقای خمینی و صبغه اسلامی آن از نظر یک متفکر مترقی و پیشگام غربی دارای چنین جوهری است.

کلودروا نویسنده و متفکر دیگر فرانسوی می گوید: «ملت و قومی که می خواهد در موجودیت خودش باقی بماند و سرزمینش را حفظ کند در آن سرزمین برای این موجودیت همراه با زبان و با فرهنگ و با خدایش می جنگد و مذهب از جمله ثروت های نادری در این نبرد برای مردمی است که چیز دیگری ندارند.»  
تذکر این نوع تلقی از انقلاب ایران از سوی کسانی که با کولباری گران از فرهنگ و تمدن مادی و صنعتی به چشم اندازهای امیدبخشی از تلاش انسانها برای آزادی و رهائی

از این سموم که بر طرف بوستان بگذاشت  
عجب که بوی گلی هست و رنگ یاسمنی حافظ

## تجزیه و تحلیل دولت انقلاب

حکومت انقلابی برای پیروزی انقلاب احتیاج به دموکراسی توأم با قدرت  
منبعث از مردم و طرح نقشه ی روشن دارد.

این حرف را آیت الله طالقانی با توجه به وضع جدید خودشان و مجموعه اوضاع و احوال در خطبه نماز جمعه دوهفته پیش با لحن فصیح و روشن و قاطعی بیان کردند. پشت سران نیز رهبر انقلاب برای چندمین بار مردم و گروهها را به پشتیبانی و هماهنگی با دولت فراخواندند.  
اما باید دید کارشکنی، ایجاد حادثه و آشوب، چوب گذاشتن لای چرخ دولت و انقلاب منظور که گفته می شود تنها منحصراً به نیروهای چه است، یا گروههای قدرت طلب و انحصار طلب به نام انقلاب و اسلام و امام نیز در این محرکه دستی دارند و انگشت به شیر می زنند.  
رهبر انقلاب، امام، نوشته اند و گفته اند که نماز جمعه در تهران به امامت آیت الله طالقانی برگزار شود. ما این را یک رای و نظرساذه تلقی نمی کنیم، این را یک اجتهاد می گیریم. باتوجه به وسایل رساننده صوت و رادیو و تله ویزویون، فاصله ها ازینجا برداشته شده است و امام جمعه خطبه را تنها خطاب به مردم در شماع چند فرسخ محدود نمی خواند، بلکه خطاب او به همه مردمی بقیه در صفحه ۲

آن معنات که از موضع قدرت و باتکیه به بازوی انقلاب همه امکانات را به خدمت خواهد گرفت بی آنکه در قدرتهای دیگر مستحیل شود و یا تحت تاثیر قرار گیرد، یعنی همان کار که الجزایر یک روز پس از پیروزی انقلاب و اخراج عوامل استعمار خشن فرانسه کرد و دوباره با شرایط تازه و از موضع قدرت، امکانات همان فرانسویهای استعمارگر و خشن را به خدمت پیشرفت برنامه های انقلابی دعوت کرد، منتها این بار با شرایط مساوی و زیر سلطه ی حکومت انقلاب الجزایر.  
چنین طرز عملی تنها از نیروی یکپارچه انقلابیون و توجه به رهبری هماهنگ و یکپارچه نیروهای انقلابی برمی آید.  
آقای مهندس بازرگان نیز کمتر از یک هفته پس از پیروزی انقلابیون نیکاراگوئه یعنی حدود ده روز پیش در تله ویزویون ظاهر شدند و بله می نفه می، با لحن کجدار و مریز گفتند که دولت دیگر کارشکنی ها و اغتشاشات و بی نظمی ها را تحمل نخواهد کرد.

پیشنهادی شما کم است و برای جبران خسارتهای ناشی از انقلاب به پول بسیار بیشتری احتیاج داریم. اگر کارخانه های موجودان، اگر ماشین صنعت کشورشان نیز ساخت امریکا یا شوروی یا هر کشور و قدرت دیگری باشد و روش استعماری هجوم صنایع اجازه تربیت کارشناسان محلی را به رژیم سابق نداده باشد یا رژیم سابق، خود لیاقت تربیت کارشناسان را نشان نداده باشد، چنین برمی آید که دولت انقلابی تازه اعلام خواهد کرد برای به راه انداختن فوری چرخهای اقتصاد و صنعت خود به کارشناسان خارجی احتیاج دارد و آنان را دعوت و استخدام خواهد کرد و این به آن معنا نخواهد بود که مردم را دوباره پس از انقلاب به زیر سلطه امپال کارشناسان و مستشاران خارجی بکشد، بلکه باتوجه به اوضاع و احوال داخلی و جهانی و باتوجه به لزوم روابط مقابل جهانی و باتوجه به احتیاجات جامعه برای حرکت چرخ زندگی اقتصادی کشور در شرایط مساوی و از موضع قدرت از همه امکانات استفاده خواهد کرد تا با طرح نقشه تازه انقلابی به استقلال اقتصادی و سیاسی برسد. این به

دوهفته پیش، سه روز پس از پیروزی ساندینیست ها در نیکاراگوئه و ورود آنان به ماناگوا، نخستین شعارهای انقلابی آنان را نوشتم و نوشتم که این شعار از قدرت و اعتماد به نفس انقلابی برخاسته است و در کار ساختمان جامعه پیروز شده در انقلاب نیکاراگوئه آینده روشنی را نوید می دهد. و طرز عمل رهبری ساندینیستها را با طرز عمل دولت انقلابی ایران مقایسه کردم و علل ضعفها و قدرتها را با ذکر چند نمونه ی کوچک بر شمردم.  
تصمیم های بعدی رهبران جدید نیکاراگوئه باز هم حکایت از سلطه انقلابی آنان بر اوضاع کشور و اعتماد به نفس و اعتماد به قدرت آنان دارد. ساندینیستها در روزهای بعد برای تسلط و گریز از ایجاد درگیریهای احتمالی اعلام کردند که ساعات رفت و آمد در شب را محدود کرده اند. اعلام کرده اند که وسایل ارتباط جمعی را یکسره در اختیار گرفته اند و از آن مهمتر به دشمن سوگند خورده دیروزی خود، به پشتیبانی بی چون و چرای حکومت جبار و فاسد سوموزای فراری یعنی دولت امریکا اعلام کرده اند که بیست میلیون دلار کمک

## ظرائف انتخاباتی

### در انتخاب خبرگان!

انتخابات تهران بزرگترین پیروزی سیاسی و اجتماعی حزب  
ماو مؤتلفین مابود

مردم صاحب رأی، باسوادان، کسانی که اختلاف رأی را با تقلید و تقیه و تسلیم  
می دانند، به کاندیدای ما رأی دادند

نتیجه قرائت آرای انتخابات در اراتی داشته اند شاید بتواند نشان گذاشت، این که نام از ملاحظات تهران سحرگاه روز شنبه معلوم شد. دهند برخی مسائل باشد.  
نگاهی به ترکیب انتخاب شدگان و آیت الله طالقانی کاندیدای طالقانی از سوی حزب حاکم می بریم ترکیب کاندیداهائی که پس از ده نفر مشترک تمام گروهها بوده اند و حزب به این علت است که... سیر حوادث صاحبان اصلی آرای مردم تهران و حاکم نیز به ملاحظاتی نام ایشان را نشان داده است از طرفی جناح قشری کرج و ورامین و شمیرانات و اطراف در میان صورت کاندیداهای خود و گروههای فشار که تحت عنوان

## نظر ما درباره تعطیل آیندگان

انچه را که داستانی انقلاب به عنوان دلایل تعطیل موسسه آیندگان عنوان کرده بود بهیچوجه دلایل محکمه پسند حقوقی و قضائی نبود.  
و اگر دلایل برعلیه روزنامه آیندگان در دسترس داستانی انقلاب باشد تازه وسیله ایست برای طرح آن در دادگاه، و مجوزی برای تعطیل روزنامه و توقیف نویسندگان و جلوگیری از کار چاپخانه آن نمی شود.  
ما هم می دانستیم که موسسه آیندگان از روز نخست به علت خدمت به رژیم استبداد تاسیس شده بود، ولی این ربطی به وضع کنونی آن ندارد اگر موسس آیندگان در هنگام مجوز رژیم پهلوی و عامل سیا و اسرائیل بود باز به گردانندگان و نویسندگان کنونی آن مربوط نیست. اگر سرمایه آیندگان متعلق به گردانندگان کنونی آن نیست این نیز نمیتواند توجیه کننده تعطیل روزنامه و توقیف نویسندگان آن شود.  
بقیه در صفحه ۶

بقیه در صفحه ۲

# محدوده اخلاقی آزادی

# تجزیه و تحلیل دولت انقلاب

بقیه

عصبان و ناراضی بر می دارند و به صف مخالفان و توده های زحمتکش و محروم می پیوندند.

و در این نقطه است که انفجار آغاز می شود و رژیم یا تمام حمایت هایی که از استعمارگران خارج و چپالگران داخل در پشت سر خود دارد و با تمام نیرویی که از ارتش و ساواک و شهرپاتی برای سرکوب ناراضی های مردم تجهیز کرده است در برابر سیل مداوم ناراضی و اعتراض انجانی که به حرکت جمعی قشرهای مختلف اجتماعی تبدیل می شود از پا در می آید.

اما آنچه را که یک متفکر غربی درباره انقلاب ما می گوید درباره انقلاب نیکارگوته نمی گوید او می گوید که انقلاب ایران تنها در جست و جوی رهائی از استبداد و استعمار نیست بلکه انقلاب ایران طالب چیزی فراتر از اینست، انقلاب ایران خواهان اداره جامعه براساس معنویت سیاسی است، معنویت سیاسی یعنی چه؟ یعنی جدا کردن سیاست از انجیزه های که در فرهنگ کونی سیاست از لوازم و ضروریات طبیعی و قابل درک سیاست است، سیاست در فرهنگ رایج آن که سرچشمه از مشروعیت قدرت دارد یعنی اینکه هدف وسیله را توجیه می کند.

در فرهنگ غربی سیاست یعنی کلیه شیوه ها و تلاشی که راه رسیدن به قدرت را هموار می کند. تلقی سیاست در ریشه های یونانی و رومی یعنی دستیابی به قدرت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در چارچوب تلاش های فردی و ره آورد نسانس و انقلاب های سیاسی و اجتماعی غربی نظیر انقلاب فرانسه و انقلاب روسیه و جنگ های استقلال آمریکا گروهی کردن و اجتماعی کردن تلاش های فردی بود برای رسیدن به قدرت اوج این تفکر و اندیشه در تمدن و فرهنگ غربی انقلاب برای بدست آوردن قدرت است بوسیله کارگران.

در تمدن غربی همه این تحولات نتوانسته است سیاست را با معنویت در آمیزد یعنی از بافت سیاست دروغ و حيله گری و خشونت و زور و بیعدالتی را جدا کند.

مسئله اینست که قدرت در فرهنگ سیاسی کونی با منافع مادی و اقتصادی و مواضع اجتماعی فردی و گروهی در آمیخته است: انسانها در پی تلاش برای بدست آوردن قدرت هستند تا بتوانند منافع مادی و موقع اجتماعی خود را حفظ کنند، تلاش برای قدرت یا برای بدست آوردن مواضع مادی تازه است و یا برای حفظ منافع موجود آنان می باشد. کسانی که بصورت فردی و یا گروهی و حزبی قدرت را بدست آورند دیگر تمایلی به از دست دادن آن ندارند در اینصورت است که از همه وسایل برای حفظ قدرت استفاده می کنند و در این زمینه است که برای توجیه خود در حفظ قدرت و انحصار کردن آن از هر منطبق و ایدئولوژی استفاده می کنند. برای طبیعی نشان دادن قدرت خود در افکار عمومی و توجیه مشروعیت و حقانیت آن نه تنها زور و خشونت را به آسانی بکار می بندند بلکه افکار و عقاید فیلسوفان و نظریه پردازان را نیز به کمک می گیرند. بنابراین برای اینکه سیاست با معنویت درهم آمیزد یعنی از دروغ و زور و فسفطه و مقلطه و بیعدالتی جدا شود قبل از هر چیز باید به تعبیر تازه ای از قدرت در درمهم

معنویت سیاسی بدون معنی قدرت مفهومی ندارد زیرا سیاست ابزار و وسیله قدرت است. باید بدانیم قدرت را برای چه می خواهیم، اگر قدرت را برای منافع خصوصی و رسیدن به قدرت و ایجاد عوامل تازه ای از منافع اجتماعی و اقتصادی برای خود و یا گروه مربوط به خود می خواهیم در اینصورت نمیتوانیم سیاستی را که در خدمت تحقق این هدف می گذاریم از زور و خشونت و فسفطه و دروغگویی جدا کنیم زیرا خواه ناخواه منافع ما و گروه ما با منافع دیگران و گروه های دیگر تفاوت دارد.

ما می خواهیم قدرت را تصاحب کنیم برای اینکه دیگران را از رسیدن به قدرت دور کنیم، ما می خواهیم آثار اجتماعی و اقتصادی ناشی از قدرت را بطور انحصاری در اختیار خود آوریم برای اینکه نمی خواهیم این آثار بطور عادلانه بین همه قشرهای اجتماعی تقسیم شود. هر قدرتی با ایدئولوژی خاص خود را دارد و یا ایدئولوژی مورد قبول جامعه را در راه حاکمیت بخشیدن به قدرت خود بخدمت می گیرد، در اینصورت هیچ مذهب و مسلکی از این سرنوشت برکنار نیست در سقیفه بنی ساعده کسانی که می خواستند حق مشروع ولایت را غصب کنند به طبیعی ترین تمایل موجود یعنی اجماع و شوری متوسل شدند. و در این امر ظاهر آری مردم را به تصور خود پشت سر داشتند، به سلاح وحدت و پرهیز از تفرقه نیز مجهز بودند، در اینجاست که به این مسئله اساسی باید رسید که رای عوام اگر به آگاهی سیاسی و اجتماعی مجهز نشد هرگز به صیغه دموکراسی و آزادی آمیخته نمیشود زیرا کسانی که به سلاح آگاهی و دانائی و علم مجهز نباشند نتوانند با سلاح عقل و منطق حق را از ناحق تشخیص بدهند به آسانی در مسیر گمراهی قرار می گیرند و به سهولت طالبان قدرت می توانند ایمان و اعتقاد و تصعب آنها را در خدمت تحقق مقاصد خصوصی خود که رسیدن به قدرت در مرکز آن قرار دارد در آورند. اگر طالبان بسیار تشنه و حریص قدرت در بستر انقلاب ما در این مسیر گام بردارند که بر می دارند انقلاب ما نه اینکه به سیاست معنویت تن نخواهد داد بلکه راه بازگشت به ارتجاع و استعمار را نیز هموار خواهد کرد.

چگونه میتوان در مدت چهار پنج ماه پس از انقلاب و پس از سالها غیبت از صحنه اجتماع در نزد مردمی که هنوز حتی از اسامی اعضای شورای انقلاب اطلاع ندارند نزدیک و به دو میلیون رای را بخود اختصاص داد معنائی است که فقط حل آنرا باید از نظریه پردازان انقلاب ستروال کرد. عجیب است که می گویند حزب جمهوری اسلامی در دولت شرکت ندارد اما نمی گویند که در فهرست موثقین این حزب پاسداران انقلاب هم شرکت داشتند آیا زور و قدرت پاسداران انقلاب و کمیته ها در حوزه های رای گیری و قدرت آنها برای انواع مانور به نفع نامزدهای رسمی قدرت کمتر از دولت است؟ آیا همه خورتن ها و تجارزها و محتال های علی در امر رای گیری و استفاده از ساده ذهنی مردمی که سواد نداشتند به زعم اصحاب قدرت حزبی معلول شوق و فوق و حرارت بود و امیدواریم اینطور باشد زیرا بهر حال حوادث آینده و مسائل دیگری نظیر انتخابات مجلس و

معنویت بود که هدف ایجاد و ضوابط تازه ای در سیاست می باشد. ضوابطی که عدالت اجتماعی را با فضیلت اخلاقی در هم می آمیزد. ضوابطی که در تلاش ایجاد و تنظیم مذهب و تئوکراسی. ما امروز در تلاش انحصار طلبانی قدرت چشم اندازی از یک جنگ خانگی اعتقادی براساس محاکم تفتیش عقاید می بینیم و در این تلاش هدف پرانگیزان اذهان ساده مردم بر ضد گروهها و افرادی است که سهمی کمتر از انحصار طلبان قدرت در انقلاب ایران نداشتند و آرمان آنها نیز چیزی جز اعتدالی طویتی اجتماعی و شرایط اقتصادی اکثریت مردم زحمتکش کشور براساس یک معنویت سیاسی خاص نیست. مسئله بر سر تلاش برای احراز مقامات سیاسی عالی و نشستن بر کرسی ریاست جمهوری و نخست دزیری و وزارت نیست مسئله بر سر اینست که دایره دوزخی تاریخی که بر گرد سرنوشت جغرافیائی جامعه ما حلقه زده است یکبار برای همیشه گسته شود قدرت نه بدست افراد و احزاب در چتر تفتیش عقاید بلکه بدست مردم و شوراهای منتخب آنها بیفتد، مردمی که بیسوادی و دور بودن آنها از فرهنگ سیاسی و اجتماعی مورد سوء استفاده قرار نگیرد و احساسات آنها بطور مصنوعی و از روی تزریق تصمصب های غیر منطقی بر علیه یکدیگر و بنام مذهب پرانگیزه نشود.

بقول حافظ: «چه شکره است در این شهر که قانع شده اند»  
«شاهبازان طریقت به مقام مگی»  
تلاش برای قدرت درحالی که قدرت هنوز در قلمرو معنویت سیاسی برای ما اثری از صداقت و خلایق انقلابی بروز نداده است درخور شاهبازان طریقت نیست، بلکه درخور مگس هانی است که درجانبه شیرینی قدرت بخواهند اهمیت حیاتی انقلاب ایران و سرنوشت نهائی مبارزه ما را در برابر غارتگران بین المللی و ارتجاع داخلی تحت الشعاع کوشش برای رسیدن به کرسی های انحصاری قدرت قرار دهند.

شکل عملی غنی کردن ارزشهای اجتماعی انقلاب با تلاش برای بدست آوردن قدرت تفاوتی فاحش دارد وظیفه یک انسان انقلابی با صداقت خاص خود کوشش در راه غنی کردن ارزشهای اجتماعی و اعتقادی و مسلکی انقلاب است، یکی از مهمترین عوامل اعتدالی ارزشها، تعمیم تفاهم و تساهل و تسامح بین مردم و خودداری از تحریک احساسات ساده مردم به نفع منافع خصوصی است.

عامل مهم دیگر طرح برنامه هائی است که زندگی اکثریت مردم جامعه را در مسیر تحول کیفی و کمی قرار می دهد و همچنین قدرت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را در سطح توده ها تقسیم می کند. کدام انقلابی با تشدد جنگهای اعتقادی و صلیبی و تحریک مردم برای رویارویی در برابر یکدیگر توانسته است به پیروزی برسد؟ طبیعی است که در صحنه مبارزه اجتماعی با طرح مسائل استدلالی و منطقی نمیتوان رقابت های فریبی و گروهی را برای قدرت تحمیل کرد، در صحنه سیاسی آنچه که آزمائش را به پیروزی می رساند اتحاد نظر و اشتراک مصالحی نیروهائی است که در اصول عقاید و شیوه های مترقی مبارزه با یکدیگر هماهنگی دارند.

است که صوت او را به وسیله دستگاههای رادیو و تلوویزیون می شنوند، فرمان نماز جمعه نیز برای اجرا در تهران است، و نه در یک مسجد و با یک محل خاص از تهران، اما می بینیم که در نقاط دیگر تهران نیز فوراً نماز جمعه هائی تشکیل می شود و صاحبان لباس روحانیت میل به آن نقاطی می کنند و نه به شرکت در نماز به امامت آقای طالقانی.

آن زمان بهتر اینکه در اولین نماز جمعه آیت الله طالقانی جز یکی دو نفر از اعضای دولت نیز کسی حاضر نمی شود اما پس از قبول و استقبال مردم و قبول کاندیداتوری آقای طالقانی از طرف قلمبه قدرت و قدرت طلب، تمام اعضای اصلی دولت نه تنها پشت سرآم جمعیت جمع می شوند، بلکه از تریون خلب نماز جمعه استفاده نیز می کنند که این اتفاقا استفاده جهانی برای تماس نزدیک با مردم می تواند بود.

شورای انقلاب به گفته ی نخست وزیر با دولت اتمام می شود ولی اعضای شورای انقلاب برای کنترل هرچه بیشتر و درست داشتن اهرمهای قدرت برخلاف رویه استقلال قوه تقنینیه از قوه مجریه در انتخابات شرکت می کنند و به مجلس قانونگزاری راه می یابند.

وقتی که اوضاع آشفته ی گریستان به اوج رسیده است، در پی تئیدرهر انقلاب از تقویت ارتش جمهوری اسلامی و تحویل قدرت گروهها به دولت و تقویت دولت، صدای اعتراض گروههایی از هوپطان کرد بلند می شود که دولت با تقویت ارتش در گریستان و اطراف، قصد کنترل منطقه را به دست ارتش دارد و همه جاسویت از تقویت لشکراورمی است. اما ناگهان رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی ارومیه با صدور و اجرائی یک حکم اعدام به حق یا ناحق (که هنوز حقیقت آن برای ما روشن نیست) ماهه انفجار و تلاشی لشکراورمی می شود و استاندار، یعنی نماینده همان دولتی که باید اهرمهای قدرت را درست داشته باشد و مورد تائید رهبری انقلاب است، در مصاحبه ای اظهار نظر می کند که گناه از رئیس دادگاههای انقلابی است که نظم نظامیان را برهم زده است، ولی حجه الاسلام امید در مصاحبه استاندارد دولت در دروغگو و ضدانقلاب می خرازد و برلوی می تازد که از امریکا تاثیر پذیرفته است.

دولتستان انقلاب دربره روزنامه

این گروهی است از آنچه برانقلاب مردم ایران و مستاوردهای آن می گذرد. الزاما تمام مأموران دولت را نمی شود بیم زده یا شفته قدرت طلبان دانست، بلکه ممکن است آندی باصن نیت کامل دچار لغزش شود.

اینست که دولت انقلاب کم کم بجای درست گرفتن قدرتی با مشروعیت تام و تهیه و اجرائی برنامه های منظم اقتصادی و اجتماعی در جهت انقلاب مردم، در شروع هر کار از سونی چهار ترس مقاومت چه راست می شود و جمعی از اعضای آن به صورت مأموران خط وضع موجود درمی آیند و از سوی دیگر با فرزند عمل جناح شفته قدرت آن کم کم به تیر می شود و در بطن جناحهای خشن و قدرت طلب تحلیل خواهد رفت.

واقعت اینست که دولت انقلابی برای پیروزی برنامه ساختمان جامعه با تکیه بر نهادهای انقلابی آمیج به قدرت متمرکز منبذ از مردم و آمیخته با دموکراسی دارد و این جز با واقع بینی و طرح نقشه ها و برنامه های درخور انقلاب مردم و باقتضای در اجرای آن به دست نمی آید.

## نظر ما درباره تعطیل آیندگان

بقیه

دولت انقلابی نیز میباشد، اما اگر دولت در زمینه تعبیر صحیح و سالم فرهنگ و اطلاعات و اخبار فاقد یک برنامه انقلابی است گناه از نویسندگان آیندگان و یاسایر مطبوعات ترفیق شده نیست.

در انقلابی یک قدرت مردمی متمرکز و یک مدیریت مردمی متمرکز بوجود میاید در انقلاب ما چندین مرکز قدرت بوجود آمده است که به ضعیف ترین آن دولت است، بنابراین انتقاد از این مراکز قدرت و کیفیت خدمت رسانی عملکرد آنها دلیل برخلافت با انقلاب نیست.

همین دلیل است که مردم از خشم و پستند که تعطیل آیندگان آیا بخاطر جلوگیری از ادامه انتقاد به طرز کارمراکز مختلف قدرت نیست؟ یا اگر چنین نیست طبعاً مردم در انتظار مشاهده دلایل و مدارک هستند که بطور قاطع شامل رابطه گرفتارگان آیندگان با عوامل ضدانقلاب میباشد.

مردم حق دارند از شیوه تعطیل این مورسه و ترفیق نویسندگان آن نگران باشند زیرا دلایل دادستانی مبنی بر اینکه آیندگان هر روز کار تاسیس و هر زمان رژیم مزدور رژیم بود قانع کننده نیست و شکایت فلان سازمان نظامی نیز دلیل بر تعطیل یک مورسه مطبوعاتی و ترفیق نویسندگان آن نمیشود.

این نوع رفتار با اهل قلم و مطبوعات و ترفیق نویسندگان بدون اینکه حق دفاع و حق تریخ داشته باشند بطرح معاملات تشدید فشار و خشونت در راه انحصارطلبی قدرت است. اگر جامعه باید از زجر و مرج فکری و تشویش و نگرانی نفسی و از تلقینات تحریک آمیز و ضدانقلابی و روان باشد این

### فرهنگ سیاسی و اجتماعی جنبش درباره نظریه ها و گرایشها...

از همین گروه را به ارزیابی تازه ای از مسائل ما زیر عنوان غریزگی و کارنامه روشنفکران رسانید و روشن بینی جلال در تجربه پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ را که مذهب توانست در حفظان اصیلترین لحظه ها بزرگترین نیروی تجربه مردم را به میدان مبارزه بکشد و مقایسه این تجربه با تجربه های قبلی را که احزاب سیاسی در ضعیف ترین لحظه های نیروی سرکوب کننده شاه هیچگاه نتوانستند چنین نیروی را با چنان اثباتی در برابر دستگاه استبداد واردند و تجربه مبارزه مخفی را - و شروع مبارزه پراکنده مسلحانه را که از سال ۱۳۴۸ شروع شد و مقارن همان وقت کشاندن مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری با تکیه به فرهنگ اسلامی و توجه تازه نسل جوان به هسته های فکری مبارزه در مذهب را که روایت دگر علی شریعتی سهم عمده ای در آن داشته و تجربه کشاندن مبارزه با تاکتیک های سنجیده و اندیشیده و مناسب از مبارزه پراکنده مسلحانه علیه استبداد به سطح وسیع روشنفکران و جوانان که علی اصغر حاج سید جوادی با هوشمندی و موقع شناسی خاص خود پیشرو آن شد، و به موازات آن تجربه اعتراض روشنفکران به وسیله تشکیل مجده کانون نویسندگان ایران که در این تجربه وقتی حرکت از تبلیغات خواسته به عمل برسد همان روشنفکران وابسته کلاسیک ترها را که کشیدند چون دید یک بعدی آنان نبود و انطباق تئوریهای مادی بر جامعه نبود صاحب تئوری مادی سرگرم تجارت با رژیم بود، و تجربه حرکت و «عمل» مردم را با تکیه به مذهب در لحظه توقف حرکت روشنفکران که «عقلانه» به اندیشه حل جستن به کنار آب ایستادند...

اینجاست که گویا در حزب همه بر سر این تجربه ها توافق داریم که یک خط سیر منطقی و رده بای یک تحول و تطور

همان تصویر دوستان «قلعه» را با اندک مستکاری ولی با لف و نشر مرتب دوباره بازسازی کنیم. به این ترتیب که: تشکیل دهندگان هسته اولیه جنبش کسانی هستند که به نسبت سن و سال و تجربه، آزمایش شکست دیکتاتوری رضاخانی را با هر چه جنگ جهانی و نه به نیروی مبارزه مردم دیده اند - و تجربه رشد حزب توده را در آن اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی و چانه بازی برای نسل جوان و روشنفکران در آن رهوت نبودن تجربه تاریخی مبارزات اجتماعی و سیاسی مردم - تجربه سلطه جوسی استالینسم و ارتش روس را به نام «انترناسیونالیسم» - و تجربه همدستی با دیکتاتورهای امپریالیستی و شکست فرقه دیکتاتور آفریقایان را - و تجربه اشتعاب ۱۳۴۶ را از حزب توده را - و پس از یک دوره سکوت اجباری و دوران تفکر و اندیشه، تجربه پوستن به جنبش ملی سبز و دکتر مسدوق را - و از آنجا نسلی دیگر را در کار خود یافتن و ناچار روبروی حزب توده و استالین واقع شدن به علت ربرویی آنان با نهضت ملی و دکتر مسدوق - و تجربه شکست ۲۸ مرداد را که با سازش قدرتهای سه گانه روس و انگلیس و امریکا، با سکوت شوروی استالینی و نقش امپریالیسم انگلیس و حمله سیاه امریکا را - و سکوت و پراکندگی بعدی پس از آن کودتا که جوادانیا جلال آل احمد

تحلیل عینیت در حوزه های حسی نیز همین است که از ذهنیت به حینیت و از قالب سازی به غیرواقع بینانه به واقع بینی برسیم. دوست عزیز ما در ترمیم مدرجی که مؤسین جنبش را بر روی آن قرار می دهند نگاه دستی نشان داده بود و مدرجی را ترمیم کرده بود که تمام مردم ایران را در آن برهه از زمان و وضع مبارزه، بر روی آن قرار داد آنجا که نوشته بود:

هدف همه این افراد علیرغم سلیقه های متفاوتشان، در یک شعار خلاصه میشد، مبارزه برای پاره کردن زنجیرهای استعمار پیکار علیه استبداد دست نشانده ابرقدرت استعماری. پیکار برای ساختن جامعه ای که در آن بتوان آزادانه فکر کرد آزادانه تصمیم گرفت.

ملاحظه می کنید که همه مردم ایران چه آنها که سوابق مبارزاتی و تجربه و در نتیجه هدف معینی داشتند با تمام نسلی که در دوران دیکتاتوری به دنیا آمده اند و به سن جوانی رسیده اند تمام کسانی که هنوز حتی در کارهای داندن مثل گلشنه مرغوب یا مطبوع قدرتند بر این مدرج قرار دارند ولی دست کم همه اصلی هواداران و مبلغین اولیه جنبش با تکیه به نظریات مختلف و تجربه های گذشته می دانستند چه می خواهند و از نتیجه انقلاب چه انتظاری می توانند داشته باشند. ورنه کارشان با اندک اختلافی در گرایشها نیست. بهتر است برای نتیجه گیری روشنتر،

دوست همگام ما با امضای قطعه زیر عنوان فرهنگ سیاسی و اجتماعی جنبش - علت تفاوت نظرات در شماره گذشته هفته نامه جنبش مطلبی را عنان کرده بود که توجه به آن، توجهی اساسی به نظر می رسد. مجموعه ای از مطالب را می توان به چند بخش تجزیه کرد: اعضای جنبش از کجا آمده اند - چرا آمده اند - چگونه آمده اند و قصد دارند در حرکت جمعی خود به کجا برسند و به چه طریقی به یک مهاجرتی و همگامی - همسانی فکری و فلسفی برسند.

در حزب ما، با روابط دیکتاتوری که بر آن حاکم است پوسته کوشیده ایم در کنار و با حتی در متن کلیه مسائل از این سالها با اهمیت یعنی ایجاد همگامی بیشتر و دستیابی به راه حل های سیاسی و اجتماعی روشنتر و عینی تر، شافل نتانیم. تجربیات فراوان و نگاه پهنه قرن حاضر ایران با توجه به تغییرات سریع جهان و بخصوص تجربیات سی و هفت ساله گذشته یعنی تجربه های پس از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون محتاط یک بازیگری و تجربه و تحلیل عینی است که با بررسی علل و عوامل شکست جنبشهای گذشته و روبروی انقلاب با شعار اسلامی آن در برخورد با اوضاع و احوال جهان می تواند روشنه های روشن واقع بینانه ای برای پیروزی مبارزات جاری و آینده را در برداشته باشد. شاید منظور دوست عزیز توجه طریقی مختلفی بوده که برای روش و تجربه بازیگری واقع بینانه ای شود. اما در بررسی و تجربه از هر ساله انتخاب اصطلاحات و کلمات گام می تواند به دورها با نزدیکها کمک کند.

پس آنکه خواهیم متوجه به خشخاش بگذاریم و «ملائطه» شویم و در بعد «اصحاب دایره المعارف فروری» ابتدا لازم است به یکی دو نکته کوچک اشاره کنیم.

دوست ما همه جا از «تفاوت نظرات» و «تفاوت فلسفی» سخن به میان کشیده است.

یک فاجعه ملی و جنگ داخلی سر بخیزد. حال اینکه به شهادت تمام تاریخ این مسائل هیچگاه با دخالت ارتش و به قید خونریزی قابل حل نیست. وانگهی کدام ارتش است که در عین خونریزی و کشتار مردم بی پناه باز هم از مشروعیت برخوردار باشد؟

حالتی که اگر بایک دیدگاه واقع گرایانه مردمی و انقلابی و اسلامی به مساله ملیت ها نگریسته شود، مشکل را می توان بدون کمترین دخالت ارتش و قوای قهریه به جانب حل سوق داد. راه حلی در قالب تصامیت از همی خشخاش ناپذیر جمهوری اسلامی و عاری از هر صیغه تجزیه طلبانه که بی تردید تمام نیروهای انقلابی نیز در مسیر آن به گونه کمک و همکاری آسازگاری خواهند داشت.

با احترام  
جنبش - جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)  
جنبش مسلمانان مبارز - سازمان اسلامی شورا (ساش)  
سازمان مجاهدین خلق ایران

محلی مردمی همان منطقه و ناحیه اداره شده. انتصابات محلی نیز زیر نظر و به تأیید شوراهای محلی باشد. ۳- منبای ارزش و حق بهره وری و تصرف در نظام جمهوری اسلامی تنها و تنها کار است و لا غیر. ۴- زمین و محصول از آن کسی است که کار کرده و کشته است. ۵- کارگران و دهقانان ایران باید از هرگونه مالیات و پرداخت دولتی معاف بوده و از بیمه و بهداشت و تحصیل رایگان بهره مند باشند. ۶- عرق زان به لحاظ سیاسی و اقتصادی با مردان متساوی الحقوقند. ۷- تا مرز قیام مسلحانه آزادی همه احزاب، جمعیت ها و مطبوعات کاملاً تأمین و محاکمات احتمالی آنها در حضور هیات منصفه انجام می شود. ۸- کسانی که بهر نحو و تحت هر عنوان محل از ادبای مزبور باشند به شدت باید کیفر ببینند. ۹- هر نوع شکنجه، بهر اسم و بهر عنوان مطلقاً ممنوع است. ۱۰- جز در مورد جرایم شغلی و ویژه نظامی ارتشیان، هرگونه دادرسی در عهده دادگستری است و صلاحیت قضائیه را هیچ چیز دیگر محدود نخواهد ساخت. ۱۱- حقوق حقه ملیت ها منبای بر تعیین اداره امور داخلی خود در چهار چوب وحدت و تمامیت تجزیه ناپذیر جمهوری اسلامی محفوظ و از هر جهت پناها اعاده خواهد شد. ۱۲- ارتش ما باید یک ارتش اسلامی، مردمی، ضد امپریالیست و ضد استبداد باشد که در خدمت دفاع و در دوران مرزهای ایران از هرگونه درگیری متوجه شود. ارتش مستقل و ملی که عاری از هرگونه وابستگی به قدرتهای خارجی بوده و مستشاران امپریالیست را هرگز به خود راه ندهد. ۱۳- و از این طریق به سمت ارتش اساسا اسلامی که داوطلبی می باشد حرکت نماید. ۱۴- ژاندارمری و شهربانی در یکدیگر ادغام شده و به عنوان ضابط عدلیه تحت اختیار و فرماندهی دادگستری قرار گیرد.

بسم الله الرحمن الرحيم  
حضرت آیت الله امام خمینی گروهای امضاء کننده نامه حاضر در پاسخ به دعوت شما منبای پرشکرت در انتخابات مجلس برای قانون اساسی، فعالانه در انتخابات مزبور شرکت کرده و به معرفی کاندیدا نیز اقدام نمودند. این در حالی بود که فشارها و محدودیت های بسیاری که متأسفانه هنوز هم مستقیم و غیر مستقیم تحت نام شما اعمال می شود کمتر امیدوی در جهت تأثیر گذاری انقلابی برای ما برجا گذاشته بود. به همین دلیل نتوانستیم بسیاری از هواداران خود را به شرکت در انتخابات قانع کنیم. آنها بر این عقیده بودند که شرکت مادر جو موجود مفید هیچ فایده ای نخواهد بود.

اگر چه ما همیشه بر این عقیده بوده ایم که مقام رهبری شما فراتر از وابستگی بر جمعیت و حزب بخصوص بوده و متعلق به فرد فراداده ملت ایران است. باین همه در جریان انتخابات مشاهده دخالت های غیر قانونی گسترده احزاب و جناحهای بخصوص بودیم که به انحاء طرق توده مردم را تحت نام شما به رأی دادن فریاد می دادند که در واقع آن انتخابات را به انتصابات تبدیل می نمود. این دخالت ها که در چند مورد با چنان وضوحی صورت گرفت که آراء صندوقهای مربوطه بنابر اعتراضات بازرسان ما باطل اعلام گردید. از پاره کردن اوراق تبلیغاتی دیگران تلوی نویسی غیر مجاز و ممانعت از رأی دادن به نامزدهای مورد نظر تا مستکاری در صندوقها و اعمال نظر در شمارش آراء و امثالهم گسترش یافت. اعمال بی رویه ای که مدارک آن طی قریب بیش از دو سست قهره شکایت می مستولین امر تسلیم شده و چنانچه صلاح بداند آماده ایم تا در ملاقات حضوری به خود آن حضرت نیز تقدیم داریم.

مساله اساسی برای طرفداران ما این است که حزب برنده انتخابات که چند ماه از تاسیس آن نیز بیشتر نمی گذرد چگونه می تواند بدون اینکه همه چیز خود را به شما منتسب سازد در اکثر نقاط کشور حاکم اکثریت آراء



۱- تأکید و تصریح بر محتوای ضد استبدادی و ضد استعماری جمهوری اسلامی که بارها مورد تأکید آن حضرت قرار گرفته و طبعاً راهگشای حصول به جامعه ای قارغ از هر گونه بهره کشی و استثمار خواهد بود.

۲- فرم حکومتی دولت اسلامی نظام شورایی است. شوراهای در تمامی دوایر و قسمت های مملکت بایستی عهده دار مسئولیت های مختلف گردند. بر همین اساس امور داخلی هر منطقه بایستی بدون هیچ محدودیت تماماً به وسیله شوراهای

گردد. و آیا این استفاده شایسته ای از خرد دهها هزار شهید انقلاب ایران که اعتماد عمومی به شخص آن حضرت منکسر گردیده است محسوب می شود؟

وانگهی در شرایطی که وزراء و معاونین آن بخاطر مسئولیت های اجزایی خود از نامزدی مجلس محروم اند چگونه اعضای شورای انقلاب که هم اکنون در دولت نیز ادغام شده است می توانند برضه مسئولیت ها و اقتدارت گسترده خود راهی مجلس شوند.

از همه اینها ناراحت کننده ترین بود که علیرغم تکذیب های مکرر رادیو در روز انتخابات، قویا در روزهای قبل از انتخابات شایع کرده بودند که شخص آن حضرت فهرست بخصوصی را امضاء کرده آید که قابل انتشار نیز هست.

مجموعه این دخالت ها و محدودیت ها هم اکنون ما را با مجلسی مواجه ساخته است که به جز شمار قلیلی از علماء و افراد شرکت کننده در آن، به راستی فاقد نمایندگانی طرز تفکر انقلابی نسل جوان و روشنفکر مسلمان است. مجلسی که طبعاً نخواهد توانست چنانکه باید به حیاتی ترین خواسته های توده انقلابی مسلمان در چهار چوب تدوین یک قانون اساسی اسلامی و مردمی پاسخ دهد.

حضرت امام استدعا داریم گمان نفرمائید که امضاء کنندگان نامه حاضر که به غایت درجه به سروتش و حیثیت انقلاب و مکتب و شخص خود شا عتق می و روزند از این مطالب خدلی ناگردد قصد کار شکمی و تلافی جویی در برابر عدم انتخاب خود

# انسان و دوراهی آزادی

از: اریش فروم  
ترجمه: عزت اله فولادوند

نقشی که در نظام جدید صنعتی به آدمی محول گشت و سراسر شخصیت آدمی را به قالب کشید، تناقضات آنرا به وجه روشن تری نمایان ساخت - فرد را پرورش داد، اما بیچاره تر از پیش رهایش کرد، آزادی را افزایش بخشید، اما وابستگیهای تازه بوجود آورد.

البته قصد ما این نیست که تأثیر سرمایه داری را در سراسر ساختمان شخصیت آدمی توصیف کنیم، چه آنچه توجه ما را بخود معطوف میکند تنها یکی از جوانب این مسئله عمومی است و میخواهیم ببینیم کیفیت دو جانبه این آزادی متزاید چیست؟

هدف اصلی ما نشان دادن این نکته است که ساختمان اجتماع جدید دارای دو تأثیر متقابل بر آدمی است: از یک طرف استقلال و اتکالی به نفس و قوه نقاد انسان فزونی میکند و از طرف دیگر گرفتار تنهایی و تجرد و هراس بیشتری میشود. فهم کامل مسئله آزادی وابسته بدان است که بتوانیم هر دو وجه این سیر را در نظر نگاهداریم، نه آنکه با دنبال کردن یکی دیگری را گم کنیم.

اشکال کار در این است که عادت نکرده ایم در مسائل بطور دو جانبه فکر کنیم و نمیدانیم چگونه وجه متناقض میتوانند با یکدیگر مقارنه داشته باشند و هر دو از یک علت سر چشمه بگیرند.

به اضافه، فهم جنبه منفی آزادی و باری که بر خاطر انسان میگذارد خود خالی از اشکال نیست، خاصه برای کسانی که فلشان در گرو آزادی است. چون در جنگهایی که در تاریخ جدید به خاطر آزادی انجام یافته، همیشه بر مبارزه علیه صور قدیم قدرت و تنظیمی متمرکز بوده است، طبیعتاً این احساس بوجود آمده که هر چه این موانع و تضییقات بیشتر از میان برداشته شوند، انسان بیشتر از آزادی بهره خواهد برد، غافل از آنکه هر چند آدمی دشمنان قدیم آزادی را از میدان بدر کرده، دشمنانی تازه با کیفیت دیگری بیاخته اند که از لحاظ ماهیت با موانع برنی اختلاف دارند ولی راه تحقق آزادی شخصیت را به صورت عواملی در درون مسدود میکنند. فی المثل معتقدیم که اختیار هر چه گزیدن دین، از فتوحات نهانی آزادی است، اما این نکته را بدرستی که هر چند قدرتهای منکر این اختیار در دولت و کلیسا شکست یافته اند، انسان جدید نیز قسمت اعظم استعداد خویش را برای اینکه به چیزی ایمان آورد که باروش متداول در علوم طبیعی قابل اثبات نباشد، از دست داده است یا مثلاً خیال میکنیم با آزادی سخن، بیروزی آزادی کامل شده است، اما بیاد نیاوریم که هر چند این آزادی از فتوحات نمایانی است که در پیکار با

خانواده و دولت دو اجزای است که برای بشر امروز زندگی در آنها احترام نا پذیر نظر می رسد: یکی کوچک ترین و طبیعی ترین اجزایها که انسان در آن متولد می شود، دیگری بزرگترین آنها که کانون قدرت و هدایت است. در نخستین اجتماع، عاطفه و عشق و اخلاق حکومت می کند و در دیگری قانون و گاه سیاست زور نقش نخستین را به عهده دارد.

انسان، برای رها شدن از قیدهای این دو اجتماع تلاش ها کرده است: گاه می خواهد که دولت را خانواده بزرگ همه بشمارد و وجود خانواده را نفی کند و گاه دیگر عنوان کرده است که دولت نیز زاید و مزاحم است و انسان ها زمانی روی خوشی می بینند که خود را از زیر بار بزرگان نجات بخشند. ولی، سرانجام به این نتیجه رسیده است که باید وجود هر دو را حاصل کند. پس، آنچه امروز اهمیت دارد چگونگی همساز کردن این دو جامعه و به ویژه حفظ خانواده در برابر دولت است.

این کتاب تنها حقوق نیست، آویزه ای است از حقوق و اخلاق، از آنچه هست و از آنچه بایستی باشد. نویسنده حقوق، همین که به خانواده می رسد، فزونی را که از پیش آمده نارسا می بیند و پای استدلالی را چوبین. حق نیز همین است، زیرا به دشواری می توان عواطف انسان و بازتاب های طبیعی او را در قالب قواعد محصور کرد.

بشر در دورانی که از اجتماعی شدن او می گذرد کم و بیش امری است که، برای همزیستی با دیگران، ناچار باید قواعد اجتماعی را گردن نهد، جامعه عاریتی بپوشد و رفتار و کردار خود را ملایم طبع دیگران سازد. ولی، در همین دوران نیز همواره سلوک در خانواده را از مسائل خصوصی مربوط به خود می دانسته تا به دلخواه رفتار کند و در کنار زندگی اجتماعی گوشه خلوت و بی مزاحمی نیز داشته باشد. شاید هم میل طبیعی به آزادیزیستن باعث شده است تا خانواده را، بسان حداقلی از محیط آزاد برای خویش محفوظ دارد و آن را به عنوان کانون مقدس از دسترس دولت ها دور نگاه دارد.

حقوق برای نفوذ در این کانون همیشه با موانع بزرگ روبرو شده است. حکیمان رخنه دولت در این سرای مردمی را زیان بار و خطرناک شمرده اند و با جدا ساختن «تدبیر منزل» از «سیاست مدن» مرز قاطع و طبیعی میان دولت و خانواده را نمایان ساخته اند. تجربه نیز نشان داده است که هر گاه دولت ها خواسته اند وجود خویش را بر خانواده تحمیل کنند به آن آسیب رسانده اند. پس، ناچار یا به ویرانی این کانون کمر بسته اند تا مانع خود کلمگی و قدرت نامایی خویش را از میان ببردند، یا به ساختن چهار چوب بیرونی آن قناعت کرده اند تا شکل دلخواه را به آرامی مستقر سازند و نظم بیرونی و مالی خانواده را در بازرسی خود گیرند.

حقوق به دشواری به درون این مأمن طبیعی راه می یابد، زیرا وسیله تضمین قواعد خود را ندارد. آنچه در آن می گذرد، از خصوصی ترین و عاطفی ترین چهره های زندگی است. نه شایدهی برای رفتار ناهنجار می توان آورد نه ضابطه دقیقی برای ارزیابی سلوک همسران بدست داد. همه چیز نسبی و عرفی و تابع شرایط مادی و معنوی زندگی خاص هر خانواده است و حقوق نمی تواند درباره چنین محیطی بطور شایسته تصمیم بگیرد. پس، ناچار به وضع قواعدی مبهم و مجرد مانند لزوم همکاری زن و شوهر و رفتار عادلانه با همسران، می پردازد و تعیین مصداق های همکاری و عدالت را به عرف و اخلاق وا می گذارد.

# خانواده و دولت

دکتر ناصر کاتوزیان

کتاب خانواده، در مبحث حقوق مدنی یکی از کتابهای با ارزش و حاصل تحقیق دکتر ناصر کاتوزیان استاد دانشگاه تهران است. دکتر کاتوزیان در دانشگاه تهران حقوق مدنی و فلسفه حقوق را تدریس می کند و از جمله صاحب نظران کم نظیر حقوق و حقوق اسلامی است. آرای او را در باب قانون اساسی و سایر مسائل حقوقی مورد نظر در قوانین پس از انقلاب در جنبش خواننده آید. این که به مساله خانواده در قانون اساسی تازه و قوانین بعدی چگونه می توان نگریست یکی از مسائل قابل بحث اساسی است. دکتر کاتوزیان در مقدمه کتاب ارزشمند خانواده نقطه نظر های خود را در این باب گفته است که با اندک کم و زیادی در اینجا به نظر شما می رسانیم.

ضمناً چون نسبت به مساله مالکیت در نظام تازه جمهوری به وسیله مجلس خبرگان از دیدگاه اسلامی نگریسته خواهد شد و متأسفانه اظهار نظرهایی که به نام نظریه اسلامی در باب مالکیت تا کنون شده است بسیار مختلف و گاهی مغایر با اصل به نظر می رسد، از دکتر کاتوزیان خواسته ایم جدای از نظری که شخصاً می تواند نسبت به مساله مالکیت داشته باشد، مقاله ای تحقیقی در باره مالکیت در اسلام برای بیشتر آشنا شدن ما به این مساله بنویسد که امیدواریم با همه خطر خیزی این تحقیق مقاله ایشان را در شماره های آینده به نظر شما برسانیم.

اجرای خارجی و حکم زندان و غرامت نمی بیند. آنان که در پی یافتن قواعد حاکم بر خانواده با اصلاح آن هستند، خواه در مقام قانونگذار یا مدرس و استاد، بایستی که تارک کاوش های حقوقی، از جامعه شناسی خانواده نیز یاری بخوانند تا آنچه را به واقع حاکم بر خانواده است دریابند، از سنت ها غافل نمانند و در تفسیر قواعد آرمان های مذهبی و انسانی را از عوامل مؤثر بشمارند، زیرا استحکام خانواده بر پایه همین سنت ها و آرمان ها نهاده شده است و ریشه بسیاری از قواعد در آنها نهفته است.

خانواده را نمی توان در ریف اداره آبیاری یا ثبت اسناد نوسازی کرد و نمونه غربی برای آن برگزید و در گروگن ساختن آن با از دست دادن هویت ملی همراه است. به ویژه، اگر بنیان خانواده جنبه مذهبی و روحانی داشته باشد، چنانکه در جامعه ما نیز چنین است، این مسخ ملی آشکارتر می شود. زیرا، دروغ است که روابط زن و شوهر و مادر و فرزند را، بجای اخلاق و سنت های مذهبی، قوانین اداره کند.

طبع خانواده با حقوق و احکام آمرانه آن سازگار نیست و اثر قوانین در ایجاد نظم در آن ناچیز است. پس، اگر در پی آن باشیم که سنت ها را بدور افکنیم و قانون را جایگزین آن سازیم، در واقع آن را میان تهی می سازیم. آنکه است که زن و شوهر چون دو مدعی در برابر هم ظاهر می شوند، زن در برابر اداره منزل از شوهر دستمزد می خواهد و بسان سایر مزدوران کار شکمی و اعتصاب می کند، شوهر نیز در برابر پولی که می دهد سروری و حکومت می خواهد و گاه نیز با الگوی غربی مشوقه داشتن را حق خود می داند. کودکان در میانه نزاع یا بحساب نمی آیند یا وسیله تهدید و ارباب می شوند. حقوق نمی تواند از کسی انتظار فداکاری داشته باشد، به ساختن انسانی منظم و غیر معجزه قانع است و عدالت را در این می بیند که هر کس به حق خویش برسد. ولی، خانواده به چیزی بیش از این ها نیاز دارد. فداکاری و غیر خواهی شرط نفع و سنگ زیرین این بنا است. عشق صادق آن نیست که در راه مشوق بخورد بیندیشد و در جستجوی نفع شخصی باشد، هم چنانکه مادر و پدر دلسوز نیز در راه سعادت فرزندان از خودی می گذرند و آنچه را نمی بینند چند و چون کار خویش را

است. فرزند بایستی فداکاری و ایثار را در این مکتب فراگیرد و مفهوم اجتماع همبسته و همدل را بفهمد. نخستین درس را مادر به لوم می آموزد که شیوه جانش را به رایگان تقدیم می کند تا استخوان فرزند را استوار سازد و شب بر بالین او نمی خوابد تا گهواره نور دیده را به نظم چنانند و آواز سرسرای بیار آورد و آنچه بدست آورد سرایی بود که ارزش این خسران را نداشت.

تفسیر قواعد را از دو جهت باید نکوش و محکوم کرد: ۱- در سال های اخیر، زیر فشار نیروهای پنهان و آشکار پاره ای از گروه ها، قواعد حاکم بر خانواده دگرگون شد و ناتوانی مجالس قانونگذاری باعث گردید تا در ۱۳۳۶ و ۱۳۵۳ قوانین طلاق و نکاح و بخشی از قواعد ولایت یکسر تغییر کند.

هنگامی که صفحه های این کتاب در چاپخانه بود دولت اعلام کرد که لایحه اصلاح قانون حمایت خانواده در دست تهیه است و اگر زمانه اجازه می داد هم اکنون قانونی دیگر داشتیم و خانواده ای دیگر دولت از این اقدام خوشنود می نمود، زیرا به قصر ملکوت و پایگاه ملی رخنه می کرد می خواست نظم خویش را جانشین سنت و اخلاق کند و توفیق در این راه حتی به بهای واژگون کردن این قلعه می آرزید. جمعی از کورته نظران نیز شاهمانه زمزمه می کردند که سرانجام «اجتماعی شدن حقوق» به خانواده ها نیز کشیده شد و زور گویی های فردی جای خود را به «عدالت خواهی» داد. اقلیتی نیز پیروزی خود را جشن می گرفتند که نیروی اهریمنی سنت ها را شکستیم و آنچه را می خواستیم بر جای نشاندیم. ولی، آنچه برجای ماند بالا رفتن آمار طلاق، فزونی یافتن کودکان بی هویت و گریز جوانان از تشکیل خانواده و تنزل ارج و احترام زن در جامعه بود. سازمان عاریتی زنان که خود را فاتح بزرگ میدان می دانست، بیش از همه برای آنان ضرر بیار آورد و آنچه بدست آورد سرایی بود که ارزش این خسران را نداشت.

باید اعتراف کرد که در میان نیروهای طرفدار تجدید فرای از ظلم نیز بگوش می رسید و با تازی از ستم نیز دیده می شد و نباید اثر این نیرو را، هر چند که ناچیز باشد، نادیده گرفت. از سنت ها سوء استفاده می شد و اخلاق را نیز جمعی به بازیچه می گرفتند و آنچه را پیشینیان مکروه ترین می شمرند اینان محبوب ترین می دانستند. پس، جای آن بود که لجامی بر این خود سری ها زده شود و طلاق به گونه ای محدود گردد تا بانوی خانه و مادر خانواده در برابر هوسازی های شوهر ناملان بی پناه نماند. این ضرورت را همه احساس می کردند و حکم اخلاق چنان توانا می نمود که قانونگذار را به دنبال خود می کشید. ولی، اصلاحی از این گونه می توانست، بی اینکه نیازی به بازسازی قوانین خانواده و هیاهو درباره بردگی پیشین زن و ازاد شدن او باشد، در چهار چوب اصول پیشین انجام گیرد و همراه با احکام غیر منطقی و گاه متضاد دیگر نشود.

در این پیشگفتار جای انتقاد از قوانین حمایت خانواده نیست و دانشجویان و سایر خوانندگان می توانند در این باره به متن کتاب رجوع کنند. ولی به اجمال می توان عنوان «حمایت خانواده» است، در این عنوان به وضع قواعد نپرداخته و گاه انحلال بیوهه خانواده را نیز دامن زده است.

باید افزود که سنت های باگرفته در خانواده های ما استوارتر از آن است که با این شره ها فرو ریزد. چنانکه امروز نیز توده مردم به راه خود می روند و برای تنظیم روابطشان کمتر به قانون و یادگاه روی می آورند. اخلاق نیز به آرامی پاره ای از نهاد های تازه را پذیرفته است. به بیان دیگر، عادات و رسوم سنت ها در ملایم ساختن قوانین نقش طبیعی خود را انجام داده و آنها را فر خود، حل کرده است. لیکن، این ایستادگی ملی همیشه پایدار نمی ماند و اگر روش دولت ها ادامه

## بحث و انتقاد

### جنبش

جلسات بحث و انتقاد جنبش به مناسبت ماه رمضان به مدت چهار هفته تعطیل است و از هفته اول شهریور ماه روزهای چهارشنبه تشکیل خواهد شد.

### پرونده ساواک طاغوتی در دست مبارزان یاقوتی

آن روز ساواک چگونه با جعل و تزویر برای مبارزان پرونده می ساخت و امروز گروههای قشری و برتری طلب از همان پرونده ها به نام اسلام و رهبری انقلاب بهره برداری می کنند.

ناظران و بازرسان ما از جریان انتخابات مجلس خبرگان و شیوه های شرافتمندانه مبارزات انتخاباتی گروههای قشری گزارشات قابل توجهی دارند. از جمله سه گزارش مشابه از سه نقطه مختلف تهران و شمیران است که مبلغان انتخاباتی داخل و خارج حوزه های رای گیری که خود را وابسته به حزب اکثریت معرفی می کرده اند، با نگاه کردن ورقه رای برای دهنده گانی که نام حاج سیدجوادی را نوشته بودند آنها را «نصیحت» می کرده اند که رای خود را عوض کنند و به کاندیداهای حزب اکثریت رای دهند و دلیلشان این بوده است که چون حاج سید جوادی عرق خور بوده است، آقا او را از انقلاب بیرون کرده اند این نوع مبارزه شرافتمندانه! و پراکنجیدن مردم عامی علیه حاج سیدجوادی و متهم کردن او به اینکه کویست است، صرف نظر از ماهیت آن که تحمیق و استحلال مردم است و در شان همان انقلابیون روز دوشنبه می تواند باشد داستانی پشت سردار که نشان می دهد پرونده سازیهای سازمان امنیت دوران طاغوت چگونه مورد استفاده تعلیم دهندگان این مبارزان واقع می شود و همچنان به اعتبار خود باقی است.

داستان اینست که در روز جمعه پیش از تظاهرات تاسوعا و عاشورا، قرای نظامی و امنیتی شاه با خشونت تمام به خانه حاج سید جوادی حمله کردند و نزدیک صدویست نفر را در حالیکه مشغول شنیدن بیانیه او با عنوان «الله اکبر، این صدای انقلاب ایران است» بودند، دستگیر کردند و صاحبخانه را دستبند زدند و همه را به زندان بردند. سرهنگ ازغندی فرمانده عملیات برای تحریک تماشاچیان و سربازان تحت فرماندهی خود با نقشه ای که از پیش طراحی شده بود مشغول نطق و خطابه و نمایشات مضحک خود شد به این ترتیب که ابتدا یک عدد ماهی سفید و چند کیلو گوشت را از بیخچال منزل حاج سیدجوادی بیرون کشید و به حاضران نشان داد و گفت که این روشنفکران «هرفه» خود را طرفدار مردم گرفته می خوانند و صحنه بعد به وسیله فیلمبرداران ساواک و تلویزیون شاه کارگردانی شد. مقداری پول را که حاضران در همان جلسه برای کمک به مبارزه پرداخته بودند و روی کتبه کتابخانه بود در ایوان خانه گذاشتند، گوشت و ماهی را در کنارش قرار دادند، یک دستگاه رادیو و ضبط صوت خانه را به عنوان «دستگاه فرستنده» و تعدادی اعلامیه و نشریه جنبش در کنار آن و صحنه را با قراردادن یک عکس حاج سیدجوادی، یک پوستر تصویر آقای خمینی و چند شیشه و بطری در کنار همه اینها کامل کردند و فیلمبرداران مشغول فیلمبرداری شدند. گریه و صحنه سرهنگ ازغندی بود که حاج سید جوادی را اغفال کننده مردم بنام اسلام و او را وابسته به آقای خمینی «ماجرای» و صاحب آنهمه گوشت و ماهی و مشروبات الکلی و عرق و ویسکی خواند. که مأمور بوده است آن پولها را بین حاضران تقسیم کند تا در روز تاسوعا و عاشورا به تظاهرات بروند.

سازمان امنیت و پلیس شاه پس از آن روز چنان سرگرم حوادث شد که هرگز نتوانست از آن فیلم و گفتار مسخره سرهنگ ازغندی استفاده کند. سرهنگ و برادر شکیبه گرش از ایران گریختند ولی امروز عده ای محتویات همان پرونده سازی مسخره رایبه مردمان عامی خودروس می دهند تا برای از میدان بدر کردن مبارزانی که مبارزات مداوم و سی ساله آنان بر هیچ باسواد روزنامه خوانی پوشیده نیست، استفاده کنند و بجای آنان کسانی را بنشانند که بیش از سه چهار ماه نیست که مردم ایران اسم آنها را شنیده اند و همه اینها را به نام آقای خمینی و اسلام انجام می دهند.

از میان نامه ها

### رأی سازی

آنچه در زیر می نویسم نه بعنوان شکایت از تخلف در انتخابات و نه بعنوان شکوائیه و اعتراض به نحوه انجام انتخابات مجلس خبرگان است. من فقط درصدم که یک پدیده اجتماعی، یعنی نحوه رفتار و آغاز کار نسل جوانی را که میخواهد پاسدار جامعه و نگهبان آزادی باشد بررسی کنم. در انتخابات مجلس خبرگان بازرسی بسیار انتخابات بودم و با کارت شناسایی وزارت کشور صبح روز انتخابات به یکی از حوزه های شمال شهر سری زدم در پشت میز اخذ رای زنانه که جداگانه تعبیه شده بود دختر خانم های ۱۶ تا ۱۹ ساله مسئول اخذ رای بودند. رفتار یکی از این خانمها نظرم را جلب کرد مثل شاگردان درحال تقلب دائما زیر چشم اطراف خود را می پندید و توجه من به نحوه کار او مشارالیه را سخت ناراحت ساخته بود زیرا زیر لب از دوستان دیگر خود میخواست که متوجه من باشند. در زیر اوراق انتخابی کاغذ آبی رنگ کوچکی را دیدم که نام کاندیداهای حزب معینی را حاوی بود و ایشان آن را بدست مردم میدادند. به بازرسی ثابت حوزه مراجعه کردم، مسئله را با او در میان گذاشتم و با او نزد خانم مأمور اخذ رای رفتم بهانه های در حدس خود برای پرده پوشی اعمالش داشت. از او خواستیم که این ورقه را به همراه اوراق اخذ رای به مراجعه کنندگان ندهد. میگفت یکی از مسئولین حوزه به او گفته است که این کار بی اشکالی است. پس از پیگیری امر معلوم شد که این گفته نیرصحت ندارد بحث من در این نیست که چه کسی انتخاب شود و چه چیزی بکند شواهد آن صریحتر آن ورقه را بدست خانمها میدادند و آنها نام اشخاص معینی را نامی نوشتند قطعا شخصی دیگری این کار را میکرد قصد من اینست که دختر خانم جوانی که به خواست خود به حجاب تمام عیار اسلامی روی آورده است، می پایست به اصول اسلام که درستکاری، تقوی و ولعادت داری است آشنا و آگاه شود امیدوارم که این اصول مورد توجه مسئولین آموزشی اجزایه قرار گیرد که انسان مسلمان باید از درون ساخته شود.



یکی از حوزه های رأی گیری انتخابات در شهر تهران

### فریاد تلاش

دکتر جعفری لنگرودی

دوکس رنج بهبوده برند: یکی آنکه بی درد خورد، و دیگر آنکه درد دارد و پوشد. فروغ تلاش، در اندیشه است. آنگاه که درهای گران بر آتش اندیشه انسان بسوزد، مشعل انسانیت بر افروزد، و این فروغ زیبا و جاودانه آشکار گردد.

چيستند این مردمان دردپوش دردمند و زرد روی و لب خموش؟ چشم ها در حلقه گردان بی فروغ مانده از آزر می جا در دروغ در پس این شرم، دردی بیکران همچو آتش زیر خاکستر نهان و اندر آن آتش بسی جانها به سوز روزها شب کرد و شب ها کرد روز

### کتابخانه

سازمان جوانان جنبش در محل کلوب شماره ۱ در کار تدارک یک کتابخانه است. دوستان یا اهدای کتاب به غنی شدن کتابخانه و استفاده خود و دوستانشان کمک خواهند کرد.

### فرمان امام کرده های اسلامی با هم ائتلاف کردند و نمایندگان مجلس خبرگان خود را در استان تهران اعلام میدارند

- ۱ - آیت الله حسینعلی منتظری
- ۲ - آیت الله سید محمود طالقانی
- ۳ - حجت الاسلام دکتر سید محمد حسین بهشتی
- ۴ - حجت الاسلام سید عبدالکریم موسوی اردبیلی
- ۵ - حجت الاسلام دکتر علی گلزاده غفوری
- ۶ - خانم منیره گرجی
- ۷ - استاد ابوالحسن بنی صدر
- ۸ - دکتر عباس شببانی
- ۹ - علی محمد عرب (کارگر)
- ۱۰ - مهندس عزت الله سبحانی

در روز رأی این اسامی را همراه داشته باشید جامعه روحانیت مبارز تهران - مدرسین حوزه علمیه قم - حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - انجمن اسلامی معلمان ایران سازمان قهر اسلام - گروه اسلامی ابودر - اتحادیه انجمن های اسلامی شهر ری - جنبش مسلمانان پیشگام - فدائیان اسلام اصناف بازار تهران

یک نمونه از آرائی که به دست مردم می دادند و «به فرمان امام» حکم آن بود

حقوق نسازد به مصلحت اندیشی پردازد و آرمان های اخلاقی را در تفسیر قواعد مؤثر سازد این همان شیوه ای است که در تنظیم این کتاب بکار رفته و به فروش علمی آزاره شباهت دارد. هر حلق، این منجمله از حقوق مدنی نبود در مرحله نخست بر این دانشجوین حقوق فراهم نموده است. هر چند که تنوع مطالب و توجه اخلاقی و تاریخی بهره ای از راه حل ها آن را مفصل تر از نویسنده یک نسیال تحسینی کرده است. نظر نویسنده حقوق جنبش باید همراه با ملاحظه کلی قضایی و اجتماعی مربوط به آن آموخته شود و همین تفصیل آن را جالب تر و مفهوم

باید رفته رفته به سستی می گراید و این آغاز یک فالجه ملی است. بتوان تکلیف شوهر به پرداخت مهر را تعهد متقابل زن نسبت به سکونت مشترک و داشتن رابطه جنسی با او پنداشت و از این رابطه احکامی مانند حق حبس برای شوهر استنباط کرد یا قواعد تدلیس و عیب را، چنانکه در سایر معاملات است، در نکاح نیز بکار بست. حقوقدان، هنگام تفسیر و اجرای قواعد خانوادگی، باید بخاطر داشته باشد که با رابطه دو انسان بی هیچ واسطه ای روبرو است و هدف این بخش از حقوق با تمهیدات و قراردادهای تفاوت کلی دارد باید در تطبیف و اخلاقی کردن قواعد بکوشد و سرنوشت خانواده را فدای منطق

تهران - هشتم مهرماه ۱۳۵۷ ناصر کاتوزیان

این انقلاب تست ای طومار جان پیچیده در آواز خونین رهانیها  
این انقلاب تست

ای پاک،

ای شهید،  
ای مرد!

ما نیز اگر از گوهر پاک تو میبودیم  
مارا اگر چونان تو آن خود جوشی ناب شهادت بود  
آسوده بر بستر نمی خفتیم  
از بیش و کم  
حرفی نمیگفتیم  
شور و غرور و عشق و آزادی  
باهم برادر وار  
میچوشتند

\*\*\*

باری میان راه  
یادرحول و خوش کوشش وجوشش  
گام می زدیم اما  
حساب کار روشن بود  
آنگاه

تا چشمها باروزنی از نور عادت کرد  
ایام حرمان را در ابعادی توهم خیز و منت زا  
برسینه و سیما و دفتر، آشنا کردیم  
هرچند میدانیم در پنهان ذات خویش  
نقش تفاخر، سخت نازیباست.

\*\*\*

این انقلاب از تست  
ای آزاده می گنم!

خاموشیت شرماب خیل مدعا کاران

زبان بازان

## اینها چه می گویند؟

جواد محبت

\*\*\*

سوز دی و بهمین ترا با کوچ و کلفت  
درمیان ژنده ها، لرزاند  
پای تو در پایوش -

- بیخ می بست

دست تو سنگ و چوب - بر میداشت  
اما دهانت  
آن کلید شهر آزادی  
آتشفشان روشنی از خشم و عصیان بود  
ایمان به پیروزی

تورا هم قوت شد -

هم نفتی، هم تن پوش

این انقلاب از تست،

ای آزاده می خاموش

\*\*\*

باری برادر نارقیقان را بخود بگذار  
بشکن حصار سهمگین بند شیاطین را  
پرواز ده آیات «والطین» را  
تا روشنای روز، راهی سخت در پیش است  
روزیکه تاروپود باطل بگسلد از هم  
روزیکه حق آئینه دار زنده جانان جهان گردد  
روزیکه انسان  
افتخار آسمان گردد.

های انتخاباتی پیش از انقلاب را در لباس انقلاب تکرار کردند. رویبرفته با مجموع اعتراضهایی که از تمام شهرستانها به انتخابات شده است و تلاشهایی که برای خواباندن سر و صدای اعتراضها می شود مثل سفر گردش استانداز آذربایجان شرقی و دیدار مراجع مختلف، یا سفر اعتراضی جامعه روحانیت قزوین به قم، نشان دهنده رقابت قدرتی است که در همه جا موج می زند و بزرگترین خطر برای دستاورد های انقلاب به حساب می آید. مردم و روحانیون قزوین به فرستاده ویژه قم نهایت احترام را می گذارند و امور تصمیم گیری انقلاب را به عهده ایشان گذاشته اند، ولی مردم مسلمان و روحانیت از میان خود مردمسلمانی را کاندیدا کرده اند که اهل محل و ساکن شهر و شهره شهر به عشق ورزیدن به انقلاب و امام است، در راه انقلاب شهید داده است، خانه اش را آتش زده اند، صلاحیت و خبرگی هم دارد، مردم هم به او با کمال میل و با شناسائی کامل رای داده اند. اما آیدای گروههای فشار در دهات به مردمی که طی دوران بلند دیکتاتوری عادت به فرموده امام باید مسائل سیاسی و اجتماعی بسازد. ما به نماینده امام رای داد، آرای مردم در این راه گام نهاده ایم و پیش تسلیم هم پیش از آرای آگاه شهر خواهیم رفت.

مردم صاحب رای، باسرآدان، کسانی که اختلاف میان رای را با تقلید و تقییه و تسلیم می دانند، یعنی با توجه به آمار پاسوآدان و توجه به تعداد هدایت کنندگان جریانات سیاسی و اجتماعی که نزدیک به بیست درصد مردمند، اکثریت قاطعشان به کاندیدای ما و کاندیدای متوقف ما مسعود رجوی و لاهیجی و کاتوزیان و سایرین رای داده اند. ما می دانیم، و رای دهندگان به کاندیدای ما نیز به خوبی می دانند که انقلاب باید فرهنگ خود را تصمیم دهد و از مردم تسلیم دوران استبداد دیکتاتوری عادت به تقییه و تسلیم مردمی صاحب رای و نظر در گلبه کرده اند. گفته اند به فرموده امام باید مسائل سیاسی و اجتماعی بسازد. ما به نماینده امام رای داد، آرای مردم در این راه گام نهاده ایم و پیش تسلیم هم پیش از آرای آگاه شهر خواهیم رفت. بگذار طالبان رسیدن به قدرت با این جاذبه استفاده ای می شود که هر قیمت، با تکیه به عادات و فرهنگ سهم مردم آگاه را از دستاورد های گذشته مردم را بجای رای به تقلید انقلاب نادیده می گیرد و آنان را به وادارند. دیری نخواهد پایند که اصلی ترین انتخابات سرنوشت ساز حقیقت در برخورد با مشکلات و پس از انقلاب معترض و بدبین می موانع در یافتن راه حل های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روشن خواهد کند. اما در تهران برای ما بزرگترین شد و ارزش اندیشه و تفکر و رای پیروزی به دست آمده است. ما به این خود را نشان خواهد داد

## ظرائف انتخاباتی درانتخاب خبرگان

بقیه از صفحه ۲

شاید علم و اطلاعات از واقعیت اسلام (منهای سیاست روز و شائبه وسیله قراردادن آن برای رسیدن به قدرت) ناگهان در تبلیغات روحانیون تهران مسکوت گذاشته شد و در نتیجه رای خوانی نیز به نفر بیست و یکم رفت. اما رای جامعه روحانیت تهران اگر چیزی شبیه اجتهاد باشد، عدول از رای اظهار شده طرف پنج شش روز تابع چه ضوابطی می تواند باشد و تحت چه شرایطی این عدول انجام شده است؟

آقای وزیر کشور باز در مصاحبه های رادیو تله ویزیونی خود شاید به تبع «میل به قدرت» تنها کاری که کردند تمجید و تفسیر و توجیه روشهای حزب حاکم در کار انتخابات بود چنانکه کوشی وزارت کشور و حزب حاکم یکی است و کار وزارت کشور، گذاشتن کادراهای خدماتی و اداری خود در اختیار یک حزب و تبعیت از روشهای آن

رجوی قلبی بیش از اختلاف رأی صبح روز اخذ آراء با عجله به حوزه نفرات اول و دوم است یعنی نزدیک های اخذ رای خیر داده شد مهندس پانزده در صد کل آرای نفر اول. سحابی را عقب بیرید و آقای دکتر اگر مجموع آرای نفر دوم منتخب مفتاح را پیش بیندازید. یعنی آقای دکتر بنی صدر را شاخص حالا چرا حزب حاکم را گرداننده تعداد آرای حزب حاکم به حساب اصلی انتخابات می خوانیم؟ چون آوری (چون ایشان فقط کاندیدای آن آقای وزیر کشور در مصاحبه متعدد حزب بوده اند) به کیفیت «بازی خود نگفتند که اعضای حوزه های انتخاباتی» گردانندگان انتخابات پی رای گیری را چگونه و از کجا آوردند می بریم که درست همان بازیهای و انتخاب کردند. جواب طبیعی و تاریخی و سنتی انتخابات دورانی کلی سوال اینست که از میان مردم و گذشته پیش از «دستاخیز» است یعنی مردم با ایمان به انقلاب اسلامی. اما مهندس سحابی به مناسبت شهرت چگونگی این «صندوقداران» جمع شدند مبارزات پدرش و خودش مورد تایید و تقسیم شدند؟ - به وسیله مساجد، و قبول اکثر گروهها، از جمله گروه مساجد را حزب حاکم در دست گرفته پنجگانه انتلاقی جنبش بود و همچنین است، به نام امام و به نام انقلاب به مناسبت گوشه کوچکی از قدرت اسلامی و به نام جمهوری اسلامی، که در دست دولت است و دولت در اما مسجد که خانه عموم مردم مسلمان دست نهضت آزادی و ایمان است، اگر از مقام روحانی خود در آمد کاندیدای نهضت آزادی و همین سبب و تبدیل به کلپ حزبی شد که در کوچک از قدرت نیز که مورد توجه دنیای سیاست، ناچار است وارد حزب حاکم است، ایشان در لیست بازیهای سیاسی و زدوخورد های کاندیداهای حزب حاکم هم بودند، سیاسی شود، آیا پس از چندی آن مقام یعنی باید صاحب آرای حزب حاکم روحانی و تاریخی و سنتی خود را از باضافه آرای ما و دیگران شود و نفر دست نخواهد داد؟ زبان اخلاقی و دوم باشد اما رفتن ایشان به نفر ششم اجتماعی این کار را چه کسی به و کم آوردن سیصدوه هزار رای از عهده خواهد گرفت؟

نفر دوم و به ترتیب از نفرات بعد، یکی دیگر از تشنه های نشان دهنده رفتار «دبالکسیکی» حاکمیت حزب حاکم بر مساجد (و به گردانندگان انتخابات با دولت است، نام امام و اسلام) اینست که پیش از یعنی از سونی کنار آمدن با نهضت با اعلام کاندیداتی برای مجلس آزادی «دولت» و از سوی دیگر نشان خبرگان، جامعه روحانیت تهران، دادن برتری خود به آن، و ندان نشان دوست استاد و دانشمند ما و کاندیدای دادن به کاندیداتی که مورد تایید ما، دکتر کاتوزیان را برای نمایندگی حوزه خارج از شعاع عمل حزب حاکم مجلس خبرگان کاندیدا کرد و جامعه است، بی آنکه از نفوذ آیت الله روحانیت تهران یعنی امامان مساجد طالقانی برخوردار باشند. و چون چنین تهران، اما نام دکتر کاتوزیان با تمام است، باید عقب رود و این بر حسن شهرت و ایمان و صداقت و می گردد به گزارش ناظران و بازرسان صلاحیتش به علت کاندیدا شدن از ما که گزارش دادند حدود ساعت پانزده سوی ما و به علت وابستگی به ما و

# در شرق چگونه پولدار می شوند؟

بقیه از صفحه ۸

هیچ سیستمی ناپاایری های سیستم سوسیالیست موجود را ندارد. و هیچ سیستمی تا این اندازه صاحبان امتیاز را با دقت دست چین نمی نماید. دست رسی به قشر «کادری» در اتزانوی سه برابر بیشتر است تا در شوروی، برای اشخاصی که از زرده متوسط بیرون آمده اند و پنج برابر برای کارگران رده کارگری، کارمندان خوب، دولت صاحب منصبان ارتش و پلیس، دانشمندان و هنرمندان رسمی، روسای اقتصاد هیچیک باین مقام ها نمی رسند مگر بر طبق میل و اراده دهرخانه کمیته مرکزی، یک مشت بکه قدرت مطلقه دارند. تمام پست های مسئولیت دار در هر سطحی و درجه ای واجد جیره غذائی استثنائی، مغازه های مخصوص با فرآورده هائی که در بازار معمولی پیدا نمی شود، خانه های استراحت لوکس، آپارتمانهای وسیع، ویلاهای روستائی عالی، کلینیک های بسیار مدرن، داروهای غربی وارده، مسافرت های گردش به غرب، اتومبیل های شیک، ورود بدون اشکال در تحصیلات عالی برای اطفال می باشند فقط افرادی که نشان در لیست مقامات است که منحصر به تصمیم حزب انتخاب می شوند وجود دارد، می توانند از این امتیازات خود و خانواده شان بهره مند شوند.

بالاخره نباید این همه مساعدتهائی را که بوسیله پاپ سوسیالیسم به خریشاوندان می شود فراموش نیایم: هیچکس در مسکو از ترقی برقی آسی «یوری برزنه»، پسر «لئونید» به پست معاونت وزارت تجارت خارجی گول نمی خورد هیچکس شکی ندارد که «جرمن گی وی شیانو» مامور ک.گ.ب به معاونت کمیته دولتی علوم و تکنولوژی رسیده است مگر بواسطه ازدواج با دختر آلکسی کاسیگین، در روسائی، نیکولای چائوشسکو پنج برادر دارد یکی سرلشکر است دیگری معاون وزارت کشاورزی یکی نماینده تجارائی روسائی دروین است و دیگری سرکسول در کیف و پنجمی سردبیر ارگان حزب کمونیست، خواهر ارشدش هسرنخت وزیر سابق و خواهر کوچکتر هسرنخت وزیر فعلی است. و در باب هسرنختی جمهور: پرستی شخص نمره ۲ رتبه است. از مسکو تا پودولیت با عبور از هارانا، پیونگانگ یا شرق چین، اشتغالات خانوادگی رسم شده است. در تمام کشورهای سوسیالیست، انتخاب شدگان چه از طریق «مخاندگی» و از چه از راه دور و در لیست مقامهای منوط به اراده حزب، ۱۰٪ قسمت را تشکیل می دهند در حالیکه این عده ۵۰٪ درآمد کل، ۹۰٪ تعداد اتومبیل ها و ویلاهای شخصی را تصاحب و مالک ۳۰٪ آپارتمانها می باشند. برای این عده دستور العمل مارکس «به هرکس به اندازه کارش» کاملاً عملی شده است ولی از راه «به هرکس بر حسب درجه اش در صورت مقامهای مشخص شده از طرف حزب و بر حسب موقعیت خانوادگی»

بغیر از وارد شدن «در صورت مقامها» - که راه ورودش خیلی تنگ است - یا تولد در خانوادگی ارستوکرات سوسیالیست با ازدواج با یک کریستینا اواناسیس سرخ برای فرد معمولی فقط یک وسیله «قانونی» وجود دارد که بتواند به سطح زندگی آراسته ای دست یابد و آن داشتن دلار است.

با این گذرنامه «می توان از مرز پرگردگان عبور نمود دولت حاضر است که امتیازات را گرامت نماید بشرط آنکه ارزهای مورد رزم خود را بدست آورد بنابراین «بورژوازی سبز» نقش مالی و اجتماعی خیلی مهمی را در سوسیالیسم بازی می کند تمام دولتها بدست به دولتهای سرمایه داری مروض می باشند و لذا احتیاج

مهرمی به ارزهای قوی دارند تا بتوانند بعضی خریدها را بجا آورند و امور مالی خدمات سیاسی و جاسوسی خود را در خارج اداره کنند. بدون آنکه نگران صحت ایدئولوژیکی باشند، مقامات هستانی اجازه می دهند که اشخاص حساب ارزی در بانکهای لهستان باز نمایند بطور کلی مغازه های مخصوصی (در شوروی و در سایر کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی) افتتاح شده است و هرکس با ارائه ارزی می تواند فرآورده های محلی یا سرمایه داری را به قیمت نازلتر، نه تنها آنچه را که بهتر است بلکه آنچه را که در بازارهای دولتی پیدا نمی شود، خریداری نماید مانند: مواد غذایی، کفش، لباس، و نیز سیگار آمریکائی و ویسکی انگلیسی و کیناک فرانسوی، دستکهای استروری ژاپونی و حتی اتومبیلها و آپارتمانها....

دولت ورشو لهستانها را ترغیب می نماید که در اتزانوی اقامت نمایند و برای اقوام محروم خود در لهستان دلار بفرستند. برن شرقی آلمانیهای غربی را تحریص می نماید که برای خوشاوندان در شرق مارک ارسال دارند. در ۱۹۷۸ از راه نقل و انتقال خصوصی، لهستان تقریباً یک میلیارد دلار که ۷٪ بدنی خارجی اش به غرب می باشد بدست آورد.

در سیصد و چهل و دو مغازه «پواکس» اتومبیلها به مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار فروخته شده است. تا هنگام شورش کارگری در سال ۱۹۷۶، مغازه های مزبور حتی ژامبون لهستانی و داروهای غربی را هم در ازاء دلار می فروختند لازم بود که معدن چیان سیزی تهدید به شکستن همه چیز بنماید تا اینکه دیگر مواد مزبور در این مغازه ها فروخته شود ولی بهرحال تا کون در بازار معمولی عرضه نگردیده اند.

همه کس جوای دلار است برای دست رسی به اجناس مصرفی کشورهای سوسیالیستی تنها قسمتی از جهان است که در آنجا دلار مرتباً در ترقی است و لذا بازار سیاه با پیشرفت کاملی وجود آمده است.

وضع سرحدی: دسته های قاچاقچی که با یکدیگر رقابت دارند «امور میدالات» را در بنادر کشورهای سوسیالیستی بوسیله کارگزاران خود اداره می نمایند و با وحشی گری تمام در بازار ملوانان غربی که از کشتی ها پیاده می شوند با هم مبارزه می نمایند بطوریکه روزنامه یومیه با تلیک مورخ ۱۰ ژوئن ۷۸ می نویسد افراد یک بانوی که اخیراً به زندان افتادند چندین میلیون دلار کارگردشان بوده است. سیستم سوسیالیستی که پشت سلسله مراتب را اعمال می نماید، قادر نیست که احتیاجات ضروری اولیه را برای اکثریت مردم تامین نماید و از حق ارباب بودن برای تقسیم مواد مصرفی برخوردار است در درجه اول مسئول فساد زدویدی سازمان یافته و غارت سیستماتیک اقتصادی می باشد. یکی از مجلات رسمی هنگری به نام «ولوزاگ» این حقایق را چنین بیان می نماید نه تنها ادارات عمومی می توانند به فساد و تباهی بپردازند بلکه هرکس که در بخش اجناسی کار، در مقامی است که می تواند در توزیع بعضی مواد تصمیم گیری نماید فاسد می شود - تنها در این باب منظور از فرآورده های مادی نیست بلکه هر چیزی مادی یا غیر مادی که ارزش داشته باشد مثلاً - موادی مانند اجناس وارداتی، اشیاء خیلی نادر، مواد ساختمانی، مسکن و متعلقات آن، افزایش دستمزدها و جوایز و غیره - خدمات: نگهداری و تعمیرات، حمل و نقل، خدمات درمانی، مراکز سالمندان و غیره - ۳ - اجازه نامه ها و مساعدت ها از قبیل: اجازه نامه های حرقه ای،

مخصوصاً روزنامه های ولایات است که منظم مقالاتی درباره این قبیل اعمال بطور مجزا درج می نمایند که بعضی از آنها را شرح دادیم. در ورای این انتشارات، محققا می توان خصوصیت بیماری را شناخت: دیریا زود دزدها بازداشت و مجازات می شوند. ولی تعداد متسرزاید کاغذهاست که برای این قبیل «عملیات» بیش از پیش زیادتر مصرف وسیله می شود نشان می دهد که مجازات ها اثر لازم را در از بین بردن بیماری ندارد.

اسامی صاحبان مشاغل حزبی در هیچ صورت جلسه ای آورده نمی شود در حالیکه بدون مشارکت آنها نه زودبندگرا، نه کلاه برداری عقیده جات نه معامله بتزین یا شراب یا گوشت امکان پذیر نیست زنی تواند در مدت زمان طولانی ادامه داشته باشد.

ولی محققا وقتی که «داستانی» آراء عمومی را به حرکت درمی آورد بگیر و بندهای دسته جمعی در کارهای متوسط شروع می گردد در سالهای ۷۶-۷۵ وضع قضائی در بعضی از نواحی مسکو و کیف نمایانگر این مسئله بود ولی هرگز عملاً رهبران مهم در مقابل میز دادگاه حاضر نمی شوند بدین طریق در ۱۹۶۴، به لطف مشارکت مقامات عالی حزب در قرقیزستان، عده ای - توانسته بودند ده ها کارخانه و بهره برداری کشاورزی و حتی شبکه تولید و توزیع مواد مخدر و تریاک را مخفیانه بکار اندازند. مدیر محلی

کستانن سیمیس، پروفیسور انستیتیوی بین المللی مسکو بنابر تجارب ۶۰ ساله زندگی خود اظهار می دارد که اتحاد شوروی کم کم ورفته رفته از قیاد فرسوده شده است (شوروی شماره ۲۳ سال ۱۹۷۸). کشورهای دیگر بلوک هم بنظر می آید که به همین راه افتاده اند. اشرفیت از طریق ابداع خاندان سلطنتی جدید، حکومت ترولندان بوسیله بوجود آوردن یک طبقه رهبری، آیا دولت سوسیالیسم موجود نیز محکوم است که به «حکومت دزدان» مبدل شود.

انکه زندگی حسابی داشته باشد باید به هوشیاری خود آنچه را که بیشتر علاقه دارند ارائه دهد یعنی تولیدات غریبی. نیکلای اول از فروش سیگارهای آمریکائی و چین و پیراهن های خوش دوخت شروع می نماید که از شخصی بنام فلیکس خریداری می کرد ولی روزی فلیکس دیگر چیزی برای فروش نداشت لذا نیکلای دریافت که زمان اختراع محصولات ساخت آمریکا رسیده است ابتدا از پارچه های متری ۱/۲۵ روپلی کیف هائی درست نمود و سپس از بسته های سیگار مالبورو - حروف های آنرا بر روی یک ورقه پلاستیک برید و بالاخره حروف پلاستیکی را روی کیفها چسباند و آنها را به رنگ سیاه درآورد بطوریکه کلمه مالبورو بر روی پارچه چاپ شده بنظر می آمد. با این کیفهای آمریکائی شده، نیکلای بست بازار کلخوزها روانه شد. موفقیت اعجاز انگیز، بقیمت ۱۵ روپل هر کیف، نیکلای تصمیم گرفت که سلسله تولیدات خود را توسعه دهد. پیراهن هائی که هیچکس طالب آنها نبود بقیمت ۲ روپل می خرید و با اضافه نمودن نقش و نگاری و علائم مالبورو به ۱۵ روپل می فروخت. پیروزی جدید تا آنکه سقوط نمود و گرفتار شد.

## از ما می پرسند؟

چرا آقای وزیر کشور معتقد است که تماشایان رادرمجلس خیرگان راهی نیست. ظاهراً ایشان علت امر را در کمی جادانسته اند. اما لایباشان باشان هست که کم کردن اعضای مجلس موسسان به یک سوم و حتی کمتر دیگر دلیلی برای کمبود جابائی نمیگذازد. بویژه آنکه امتحان های مجلس شورا و مجلس سنا سابق و سستی درخورد توجه برای تماشایان دارد. آیا در بحث قانون اساسی هم باید بروی مردم بسته باشد یا وزیر کشور مهندسان و جوب حضور مردم را در تعیین سرنوشت خود لازم نمی بینند.

در حالیکه ده ها مهندس و طراح ایرانی بدون کار در دفاتر مهندسی نشسته اند چگونه میتوان عمل دستکاهای دولتی را توجیه کرد که با همان شرایط گذشته و با همان قیمت های سرسام آور ادامه پروژه ها را به شرکتهای غارتگر بین المللی واگذار میکنند. اگر توجه کنیم که همان مسئولین گذشته در اس کارها نشسته اند، این علاقه به واگذاری کار به خارجی ها چه معنی میدهد؟

بویژه آن کارهایی که انجام آن در قدرت مهندسین ایرانی است.

تکلیف ایجاد فضای سبز در اراضی عباس آباد به کجا انجامید سه ماه است که میشنوم شهرداری درصدد تهیه طرحی در این مورد است نمیتوان طی خیر کوچکی اطلاع داد که چه میخوایم بکنیم؟ آیا میخوایم اراضی را در دست چند سرمایه دار بزرگ باقی بگذاریم؟

شرکت تلفن و وزارت پست و تلگراف دائماً از توزیع چندین هزار شماره تلفن در سطح شهر سخن میگوید. شماره های سازمان امنیت در ضرابخانه و ابتدای سلطنت آباد به چه کسانی داده شده است؟ دستگاهی به این غریض و طویل قادر به توسعه مرکز تلفن این ناحیه نیست؟ جراب وزارتخانه با صاحبان قیش از ۵ سال قبل تاحالا چیست؟ چه کسانی در گرم نگهداشتن بازار خرید و فروش تلفن مقصدند؟

در شلاق زدن باده خواران چه کسانی موازین شرع را رعایت میکنند؟ پاسداران کمیته ها؟ اعضای صنف قصاب، رزاز و یا قاضی شرعی که بر چنین موازینی واقف است؟

آیا راست است که شرکت کارخانجات اتکا با داشتن چنده کارخانه و اداره بوسیله یکی از اعضای صنف سراج اداره میشود. این شخص چگونه قادر است که مسائل پیچیده فنی این کارخانجات را زیر کنترل داشته باشد. چرا مهندسین سابقه دار و مطلع استفاده نمیشود؟

نتیجه اخلاقی این داستان بنابر نظر روزنامه «پراودا» سازمان جوانان حزب کمونیست» این است که محققا نیکلای محکومیت پیدا نمود ولی برای مصرف کننده چه چیزی تغییر کرده است؟

۱۱ اکتبر ۷۸ مرگ یک «میلیونر» بوسیله روزنامه سخت گیر شوروی «صنعت سوسیالیست» افشا گردید. این شخص در شیکاگو نموده بود بلکه در زندانی در کیف ببرد حیات گشت، شخص - معروفی نبود بلکه استاد کاری در سلاخ خانه شهر تزروف، «فرودر بالین» نام داشت که یک میلیون روپل از خود فروش دام که در امار رسمی وارد نمی گردید بدست آورده بود در هنگام دستگیری دارای یک ویلا، دو اتومبیل و پانصد هزار روپل نقد بود با حقوق ماهیانه ۱۲۰ روپل ۵۰۰۰ روپل دیگر در جاکفته بود در رسا کس نمی داند ولی تصور می رود که سهم شرکاء جرم بوده است که به بالین اجازه می دادند که مدت بیست سال به این «کار» بپردازد.

کراهی از با بجان، قصاب میلیونر کیف و جواهری دیگر: این «داستانها» مبین وضعیت سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیکی و خیم و چینی می باشند مشکل است و دست آنها را بخوان اندازه گیری نمود از یکطرف امار کلی معتبر وجود ندارد از طرف دیگر همه راه ها به صاحبان امتیاز و مقام ختم می شود - رسماً (صورت اسامی مقاماتی که از طرف حزب تعیین شده اند) رسمی (طرفداران خریشاوندان) قانونی (طرفداران ارز) حتی جنائی (زودبند) - از طریق رازهای کاملاً دقیق پوشیده شده اند. یکی از ماخذ اصلی و خلقت مسئله، محکومیت های شدیدی است که اعمال میشود مانند محکومیت به مرگ و یا تبعید به اردوگاهها برای «چنانچه اقتصادی» در شوروی و سایر ممالک سوسیالیستی. - ماخذ دیگر مطبوعات است: در درجه اول روزنامه های بزرگ حزب مثل «پراودا» که در سال ۷۷ سیزده مقاله مهم درباره مسائل فساد در دستگاه دولتی نوشت. در درجه دوم

## آرش

صاحب امتیاز: فاطمه نراقی  
با نظر شورای نویسندگان  
سردبیر: اسلام کاظمیه  
صفحه آرانی از: حبیب مفتون  
نشانی: غرب تهران - خیابان فرصت  
شیرازی - تقاطع با اسکندری  
شمالی - شماره ۱۵۵  
تلفن ۹۲۳۳۱۸

هر جمعه ای تخفیات خود را دارد؛ در ۱۹ سالگی نیکلای استاقیف، بخوبی می داند که برای

# در شرق چگونه پولدار می شوند؟

## آیا فساد ناشی از خود سیستم و روابط حاکم بر آن نیست؟

یک معجزه درازبایجان شوروی در ژانویه ۱۹۷۳ حسی گوشهای کر هم سروصدا را در این جمهوری شنیدند. به لطف ترقیات افسانه ای علمی شوروی، مشکل لباس این سرزمین حل می شود: یک مجتمع پارچه بافی مخصوص در شهر «تراق» احداث می گردد.

چند ماه بعد واقعا کارخانه دایر شد. انقدر هیاهو در اطراف واکناف منتشر شد که حتی از اوکراین و سیبری اشخاصی برای کار به این شهر آمدند. افسوس وقتی رسیدند که دیگران قبلا آمده بودند. اعلان «تکمیل» به کارخانه زده شده بود.

پنج سال بعد «پراودا» در شماره ۲۴ دسامبر ۷۸ افشا کرد که جز چند نفر دیگر کوی در کارخانه وجود ندارد. بهانه حمایت از «کرها» به خاطر این بود که اجازه ساختمان کارخانه، اعتبارات لازم، مواد اولیه و ماشین آلات را بدست آورند. دوفتر در اصل این «معامله» دست داشتند. آداجاشولی و ایازوف، دوفتر از چهار نفری که بعدا در محاکمه به مرگ محکوم شدند. این چهار نفر به اتفاق سه نفر دیگر متهمین این محاکمه، استراتژی این دستگاه را ریخته بودند: بجای اینکه پیراهن بچگانه بدوزند و به قیمت ۱/۱۰ روبل بفروشند، کت مردانه می دوختند و به قیمت ۱۰ روبل می فروختند. با همان مواد اولیه و همان قیمت تمام شده، می توان سود را ده برابر کرد. نقشه مزبور فوراً به اجرا درآمد. کارگران کت های ده روبلی می دوختند ولی همان را به حساب پیراهن ۱/۱۰ روبلی می گذاشتند. قبل از اینکه به تولید بپردازند، قطعا از مشارکت لازم و ضروری مقامات اداری و تجاری کارگاه، ناحیه جمهوری وحسی جمهوری های دیگر هم در کلیه سطوح مطمئن گردیدند. چگونه کالا را می توان حمل کرد و به متصدیان انبار، نگهبانان و رانندگان کامیون باج سیل نداد؟ دانستند که بجای پیراهن کت صادر می شود ولی همه تظاهر می کردند که چیزی از ما واقع نمی دانند. ولذا مدارک خروج و صورت حسابها و اوراق مربوط به حمل را امضاء می کردند. چگونه اجناس را بین خرده فروشها توزیع نمایند، بدون آنکه آنها را در جریان قرار دهند و عمده فروش هم در جریان نباشد؟ چگونه ممکن است «کارمندان» را از دید بازرسان دولت و نظارت مامورین حزب پوشیده داشت؟

کارخانه بزودی لباسهای ساخت خود را در چندین ناحیه اذربایجان و نیز در اوکراین و سیبری با کامیون، ترن و حتی هواپیما توزیع کرد. هر محموله بطور متوسط پنجاه هزار روبل سود می داد که بطور عادلانه بین مؤسسين، مدیر، مدیر مالی و سرمدنستس تقسیم می شد.

درماه اوت سال ۷۸ درآخر محاکمه که ۱۱ ماه بطول انجامید، ۱۳۰ نفر شرکاء جرم به محکومیت تا ۱۵ سال تبعید به اردوگاه محکوم شدند. بطور معجزه آسانی پانصد کارگر از نقل سامعه نجات یافتند. در این مورد «پراودا» از نظر ایدئولوژیکی اهی می کند و می گوید: لازم است عقیده مدیران صنعت سبک را بررسییم. بطور ممکن است اشخاص کم سواد

بتوانند در مدت ۵ سال اجناسی به بازار عرضه کنند که با تولیدات سوسیالیستی رقابت نماید؟ نمی توان ندیده گرفت که تا زمانیکه مدیران صنعت سبک ما، بجای چیزهایی که مردم می خواهند، اشیائی تولید می کنند که مورد قبول کسی نیست، دسته های بدکاران مشابه دیگری پدیدار خواهند شد! (پراودا ۱۳ ژانویه ۷۹) روزنامه مزبور دو نیم صفحه را به موضوع تردستی تراق تخصیص داده بود بدون آنکه نامی برد انگشت روی سرطانی می گذارد که اقتصاد سوسیالیست را خراب می کند: نزدی سازمان یافته.

از اتحاد شوروی به رومانی این دسته که ۴۹ سال داشت و مدیر انبار شراب در ناحیه هشتم بخارست می بود بیش از ۱۰ میلیون لوی (واحد پول رومانی) و قریب ۲۰ کیلو طلا پیدا کرد. رسماً این شخص در ماه ۱۹۰۰ لوی درآمد داشت. در حقیقت بعضی روزها درآمدش به ۱۵۰۰۰ لوی و ایام عید نونل و پاک به ۷۵۰۰۰ لوی می رسید.

چه می کرد؟ با ۱۲ نفر دیگر شریک بود و شراب را مستقیماً از صاحبان تاکستان ها می خریدند و با آب مخلوط می نمودند. این شخص تمام احتیاطات لازم را بکار برده بود و از طرف سه نفر از معتمدین محل حمایت می شد: رئیس دادگاه، مدیر

بتوانند در مدت ۵ سال اجناسی به بازار عرضه کنند که با تولیدات سوسیالیستی رقابت نماید؟ نمی توان ندیده گرفت که تا زمانیکه مدیران صنعت سبک ما، بجای چیزهایی که مردم می خواهند، اشیائی تولید می کنند که مورد قبول کسی نیست، دسته های بدکاران مشابه دیگری پدیدار خواهند شد! (پراودا ۱۳ ژانویه ۷۹) روزنامه مزبور دو نیم صفحه را به موضوع تردستی تراق تخصیص داده بود بدون آنکه نامی برد انگشت روی سرطانی می گذارد که اقتصاد سوسیالیست را خراب می کند: نزدی سازمان یافته.

از اتحاد شوروی به رومانی این دسته که ۴۹ سال داشت و مدیر انبار شراب در ناحیه هشتم بخارست می بود بیش از ۱۰ میلیون لوی (واحد پول رومانی) و قریب ۲۰ کیلو طلا پیدا کرد. رسماً این شخص در ماه ۱۹۰۰ لوی درآمد داشت. در حقیقت بعضی روزها درآمدش به ۱۵۰۰۰ لوی و ایام عید نونل و پاک به ۷۵۰۰۰ لوی می رسید.

چه می کرد؟ با ۱۲ نفر دیگر شریک بود و شراب را مستقیماً از صاحبان تاکستان ها می خریدند و با آب مخلوط می نمودند. این شخص تمام احتیاطات لازم را بکار برده بود و از طرف سه نفر از معتمدین محل حمایت می شد: رئیس دادگاه، مدیر

ورشوی شب نشینی افسانه ای ترتیب دهد که داستان آن در تمام کافه های پایتخت زبازد مردم شود؟ چگونه ممکن است به یکی از متهمین اجازه داده شود که سالن سینمائی را اجاره و ورق کد تا توده های مردم مزاحمش نباشند؟ چه کسی به «بدنارسکی» اجازه داده است که در سال ۱۹۶۰ مهاجرت نماید در صورتیکه همه می دانستند که ممنوع الخروج می باشد؟ وبخصوص، چگونه او را آزاد گذاشته اند که با خود دو عدد واگن پراز آثار هنری خارج نماید در حالیکه اموال حقیر مهاجرین دیگر را مأموران گمرک بدقت بازرسی می نمایند؟

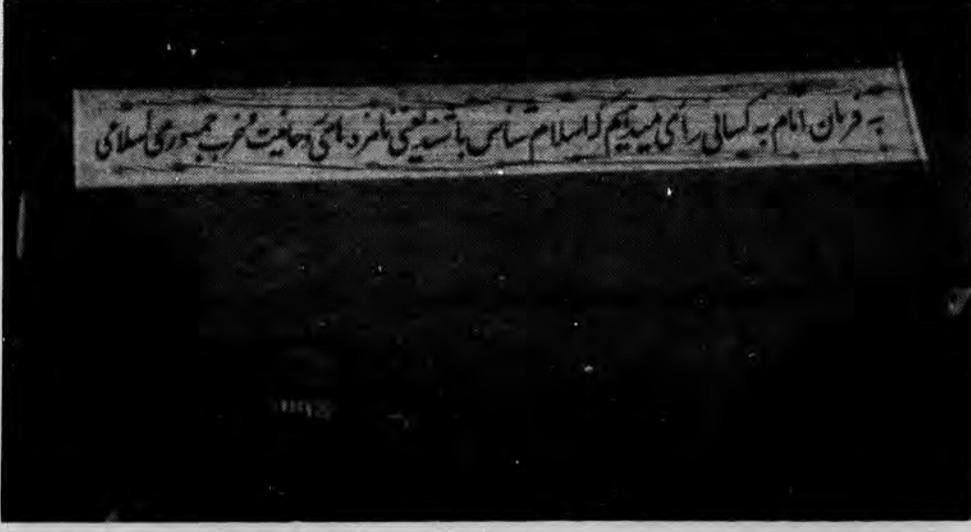
با ششصد اثر هنری که نزد بعضی از محکومین پیدا شد توانستند نمایشگاهی در ماه مه ۷۷ در ورشو ترتیب دهند و روزنامه «پراودا» در همان تاریخ نوشت که در اینجاست که می توان اهمیت خسرانیکه بما وارد شده است تخمین زد: خسرانیکه بوسیله دسته های سازمان یافته زندان و قاچاقچیان در باب گنجینه های تاریخ ما بعمل آمد.

از مدت محکومیت ها ۱۰-۱۵ سال از اهمیت مبالغه زدنی شده. از تعداد مبهوت کننده شرکاء جرم و حامیان سیاسی خریداری شده. سه مورد فوق الذکر که بطور خلاصه آورده شد به نظر استثنائی می آیند. در حقیقت چنین نیست. این سه مورد در سطوح مختلف، نشان دهند صورت مخفی اقتصاد سوسیالیستی، بررسی مرض، و چگونگی بیماری است که سیستم بروز می دهد و در وجود خود دارد و بالاخره قادر نیست که از آن بیماری نجات یابد.

چرا چنین عملیاتی رواج دارد؟ چرا اشخاص به وسائل چنین محیلی برای ثروت اندوختن دست می زنند؟ محققاً باید مستولان دولت را «شاه زدان» نامید، زیرا به مردم دستمزده غیر کافی می دهد و توقع دارد که زندگی موبدانه ای داشته باشند و علاوه بایستی تمرکز فوق العاده اقتصاد و مدیریت و بوروکراسی سیستم و انتصابات مدیران را در نظر داشت.

اما برای درک هدف اساسی «فرهشوروی» و «فرسوسیالیست» که بطور کلی بدست آوردن پول است باید بدوا فقر اتحاد شوروی و نیز «کشورهای برادر» را بیاد بیآوریم: وحشتناک است. درآمد پولی بخصوص در آنجا کم است (۲۷۰ فرانک در ماه برای اجرت متوسط). کسروآمد ذاتی، بخت و اقبال در توزیع، صف های تمام نشدنی و خسته کننده و افزایش نرخ تورم که بیش از پیش نمایان می شود بالاخره بایستی هرکس برای بدست آوردن کمترین امتیازی به مبارزات شدیدی دست بزند: زندگی در دوطاق بجای یک اتاق، خوردن سه وعده گوشت در هفته، براحتی به تعطیلات رفتن... در حالیکه یک اقلیت با بی حیاتی تمام از امتیازاتی که رژیم در اختیارشان می گذارد استفاده می نمایند. کریستینا ژاندا قهرمان «اتلسان مرمرین» فیلم مشهور آندره واژدا، معروفیت های جامعه سوسیالیست را در یک کلمه خلاصه نموده است: غبطه!

بقیه در صفحه ۷



در حاشیه انتخابات خلق را تقلیدشان بر باد داد

## رأی تحمیلی یعنی چه؟

قرار شد مجلس موسسان نباشد و مجلس خورگان باشد، که قبول کردیم، قرار شد مردم به کاندیداهای معتقد به انقلاب اسلامی ایران رای دهند و منتخبین مردم به مجلس خورگان بروند، که باید قبول می کردیم.

از هر گوشه کشور فریادهای اعتراض درباره نحوه برگزاری انتخابات و اعمال نفوذ در آن بلند است، اما فاتحین قبول نمی کنند.

رای چیست؟ رای اظهار نظر و عقیده است بر پایه اندیشه و تدبیر و بینائی، رای و رای دادن از امور عقلی است و تقلید و دستور و تحمیل اگر در کارآمد دیگر رای نیست. اگر کسی تو را تهدید کرد یا گمراه کرد یا مغلطه و تزویر چیزی را به تو قبولانید و رای تو را به دست آورد، دیگر رای نیست و تقلب است.

ششنامه واجدین شرایط رای دادن در بیست و پنج سال گذشته و مخصوصاً پانزده سال اخیر را نگاه کنید، نود درصد آنها مهر انتخابات دارد آیا این بدان معنی است که نمایندگان حزب میلیون و رستلخیز واقعا به آرای مردم تکیه داشته اند؟

یکی از خصائص اصلی فرهنگ استبداد اینست: جامعه را در جهل و بی خبری نگهداشتن، بر طبل بلند بانگ در باطن هیچ تبلیغات کوفتن، مردم را به حوادث روزمره سرگرم و از این راه گمراه کردن و با تکیه به لوله اسلحه بر آنها حاکم شدن. استبداد محمد رضا شاهی نیز از همین نقطه شروع کرد تا به توانلینتاریزم برسد.

مردم انقلاب کرده اند تا پیش از هر چیز فرهنگ استبدادی و استعماری را از میان ببرند. این وظیفه سران و رهبران و خورگان و روشنفکران انقلابی است که مردم حرکت کرده و انقلاب کرده و به شور آمده را از وادی جبر به دنیای روشن اختیار هدایت کنند و از توده در جهل و بی سواد نگه داشته شده ملتی آزاد و صاحب نظر و صاحب رای بسازند، نه اینکه از شور انقلابی مردم و توجه و ایمان و علاقه آنان به رهبری انقلاب سوء استفاده کنند و با همان شگرد و نیرنگ های عادت شده رایج در فرهنگ استبدادی راه را برای قدرتهای کور منتها در لباسی دیگر هموار سازند، و باز اش همان آتش و کاسه همان کاسه، و باز تکرار بازی آن رند کلاسی که برای روستائیان مار کشید و ملای مار

برویم، علی رغم تفاوت های سیاسی اداری، محل و دبیر اول محلی حزب. بین این دو کشور، مسائل اقتصادی روزنامه حزب کمونیست رومانی شباهت زیادی با هم دارند و در آنجا هم (مورخ ۲۲ دسامبر ۷۸) می نویسد که همانگونه زندی ها می شود مانند این شخص و رفقایش در مدت چند بدکاران و کرهای تراق دسته ی تجار شراب» در مدت ۱۰ سال با آنکه به شرکاء جرم بیشتری بکار خود ادامه داد و حتی که در ۲۲ دسامبر ۷۸ پلیس به تعقیب پرداخت، در انبار یکی از افراد

محکومیت از ۴ تا ۲۵ سال حبس، غرامت ها به میلیونها زلوتی (واحد پول لهستان) سر می زند. تقریباً در مدت ۲۰ سال، یک سندیکای چائی با انتصابات بین المللی گنجینه های هنری لهستان را غارت می کردند. میل های قدیمی، تفره آلات، بیش از صد تابلوی استادان قرن نوزدهم بطور غیرقانونی

اعمالی ۱۵ سال دوام داشته باشد؟ بطور ممکن است استفاده کنندگان این ماجرا توانسته باشند آشکارا با داشتن ویلاهای پرشکوه و اتومبیل های مرسدس و ب.م.و دست به ارتکاب چنین عملیاتی بزنند؟ چگونه ممکن است آجودان میلیسی نارنجیکه توانسته باشد یک کشتی گرضی اجاره کند و پروری دریاه